

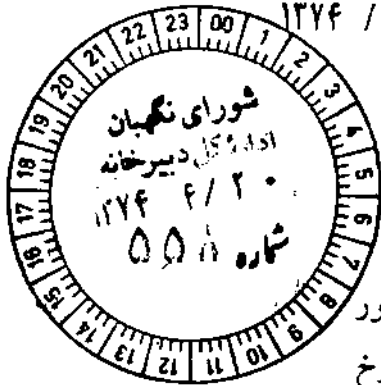


جمهوری اسلامی ایران

رییس جمهور

۴۷۷۸

بسمه تعالی



۱۳۷۴ / ۴ / ۱۹

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای ناطق نوری

لایحه «آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور
کیفری» که بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری در جلسه مورخ
۱۳۷۴/۴/۴ هیات وزیران به تصویب رسیده است، برای طی
تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می شود.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رییس جمهور

رونوشت به دفتر رییس جمهور، دفتر معاون اول رییس جمهور،
دفتر معاون حقوقی و امور مجلس رییس جمهور، شورای نگهبان،
وزارت دادگستری، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت کشور و
دفتر هیات دولت ابلاغ می شود.



بسمه تعالی

مقدمه توجیهی :

با عنایت به اینکه با تصویب قانون دادگاههای عمومی و انقلاب ، ایجاد تغییرات اساسی در ترتیبات رسیدگی به دعوی کیفری در دادگاههای کشور ضروری می نماید و قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۳۳۰ - که براساس ترتیبات قضایی سابق تدوین شده است ، متناسب با نیازهای دادگاههایی که در چهارچوب قانون دادگاههای عمومی و انقلاب به دعوی رسیدگی می کنند نمی باشد و به منظور ایجاد همسویی مقررات آیین دادرسی کیفری با تغییرات یادشده و آسان سازی دادرسی ، لایحه زیر برای طی مراحل قانونی تقدیم می شود :

لایحه «آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری»

کلیات

ماده ۱- آیین دادرسی کیفری مجموعه اصول و مقرراتی است که برای کشف و تحقیق جرایم و تعقیب مجرمان و اجرای احکام جزایی و تعیین وظایف و اختیارات مقام های قضایی وضع شده است.
ماده ۲- جرم ممکن است دارای یکی از جنبه های زیر باشد:
اول: جنبه الهی، از آن جهت که تعدی به حقوق الهی می باشد و آن منحصر است به حدود و تعزیرات شرعی.
دوم: جنبه عمومی، از آن جهت که تعدی به حقوق جامعه و محل نظم همگانی می باشد.
سوم: جنبه خصوصی، از آن جهت که تعدی به حقوق شخص یا اشخاص یا گروه معینی می باشد.

تبصره - جرمی که دارای دو جنبه می باشد می تواند موجب دو ادعا شود:

الف: ادعای عمومی برای حفظ حدود الهی و حقوق و نظم عمومی.

ب: ادعای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان شخصی یا گروهی.

ماده ۳- تعقیب متهم و مجرم از جهت جنبه الهی و عمومی به عهده مقامهای قضایی است و از جهت جنبه خصوصی با تقاضای شاکی خصوصی شروع می شود.

ماده ۴- جرایم از جهت اقامه و تعقیب دعوی به سه دسته به شرح زیر تقسیم می شوند:

۱- جرایمی که تعقیب آنها به عهده رییس حوزه قضایی است، چه مدعی خصوصی اقامه دعوی



جمهوری اسلامی ایران

شریک جنهور

کرده یا نکرده باشد ریسی حوزه قضایی می تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند.
۲- جرایمی که با شکایت شاکی توسط قاضی تعقیب می شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف نخواهد شد.

۳- جرایمی که با شکایت شاکی توسط قاضی تعقیب می شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف خواهد شد.

تبصره - تفکیک و تعیین اینکه امر جزایی تابع کدام یک از انواع یاد شده است به موجب قانون می باشد.

ماد ۵- تعقیب امر جزایی فقط نسبت به مرتکب جرم یا کسانی خواهد بود که در آن شرکت یا معاونت داشته باشند.

ماده ۶- تعقیب امر جزایی و اجرای مجازات که طبق قانون شروع شده باشد موقوف نمی شود، مگر در موارد زیر:

اول: فوت متهم یا محکوم علیه،

دوم: گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت،

سوم: مشمولان عفو،

چهارم: قانون لاحق عمل سابق را جزم ندانسته و یا آنرا قابل مجازات نداند.

ماده ۷- هرگاه تعقیب امر جزایی به جهتی از جهات قانونی موقوف و یا متهمی به صدور حکم برائت شود، رسیدگی به جهات دیگر انجام خواهد گرفت.

نهم - ماده ۸- شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان می شود و آنرا مطالبه می کند مدعی خصوصی است و تا زمانی که دادخواست ضرر و زیان تسلیم نکرده شاکی خصوصی نامیده می شود.
ماده ۹- در مواردی که تعقیب امر جزایی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی موقوف می شود هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی پس از صدور حکم قطعی گذشت کند اجرای حکم موقوف می شود و چنانچه قسمتی از حکم اجرا شده باشد بقیه آن موقوف و آثار حکم مرتفع می شود مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۰- هرگاه قبل از صدور حکم قطعی دادگاه، متهم فوت کند ادعای خصوصی به فوت خود باقی است، اسقاط حقوق عمومی به جهتی از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نمی شود.

ماده ۱۱- پس از آنکه متهم به جهتی از جهات قانونی تحت تعقیب قرار گرفت متضرر از جرم می تواند تمامی دلایل و مدارک خود را اعم از اصل یا رونوشت به مأمور تعقیب تسلیم کند که ضمیمه پرونده شود و نیز می تواند تا آخرین جلسه دادرسی تسلیم دادگاه نماید. مطالبه ضرر و زیان وی



جمهوری اسلامی ایران

رئیس‌جمهور

کرده یا نکرده باشد رئیس حوزه قضایی می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند.
۲- جرایمی که با شکایت شاکی توسط قاضی تعقیب می‌شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف نخواهد شد.

۳- جرایمی که با شکایت شاکی توسط قاضی تعقیب می‌شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف خواهد شد.

تبصره - تفکیک و تعیین اینکه امر جزایی تابع کدام یک از انواع یاد شده است به موجب قانون می‌باشد.

ماد ۵- تعقیب امر جزایی فقط نسبت به مرتکب جرم یا کسانی خواهد بود که در آن شرکت یا معاونت داشته باشند.

ماده ۶- تعقیب امر جزایی و اجرای مجازات که طبق قانون شروع شده باشد موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

اول: فوت متهم یا محکوم علیه،

دوم: گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت،

۱۲

سوم: مشمولان عفو،

چهارم: قانون لاحق عمل سابق را جرم ندانسته و یا آنرا قابل مجازات نداند.

ماده ۷- هرگاه تعقیب امر جزایی به جهتی از جهات قانونی موقوف و یا منتهی به صدور حکم برائت شود، رسیدگی به جهات دیگر انجام خواهد گرفت.

ماده ۸- شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان می‌شود و آنرا مطالبه می‌کند مدعی خصوصی است و تا زمانی که دادخواست ضرر و زیان تسلیم نکرده شاکی خصوصی نامیده می‌شود.

ماده ۹- در مواردی که تعقیب امر جزایی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی موقوف می‌شود هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی پس از صدور حکم قطعی گذشت کند اجرای حکم موقوف می‌شود و چنانچه قسمتی از حکم اجرا شده باشد بقیه آن موقوف و آثار حکم مرتفع می‌شود مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۰- هرگاه قبل از صدور حکم قطعی دادگاه، متهم فوت کند ادعای خصوصی به قوت خود باقی است، اسقاط حقوق عمومی به جهتی از جهات قانونی موجب اسقاط حقوق خصوصی نمی‌شود.

ماده ۱۱- پس از آنکه متهم به جهتی از جهات قانونی تحت تعقیب قرار گرفت متضرر از جرم می‌تواند تمامی دلایل و مدارک خود را اعم از اصل یا رونوشت به مامور تعقیب تسلیم کند که ضمیمه پرونده شود و نیز می‌تواند تا آخرین جلسه دادرسی تسلیم دادگاه نماید. مطالبه ضرر و زیان وی



مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی می باشد.

ماده ۱۲ - هرگاه دادگاه متهم را مجرم تشخیص دهد مکلف است ضمن صدور حکم جزایی حکم ضرر و زیان مدعی خصوصی را نیز طبق دلایل و مدارک موجود صادر نماید مگر اینکه رسیدگی به ضرر و زیان محتاج به تحقیقات بیشتری باشد که در این صورت دادگاه حکم جزایی را صادر، پس از آن به دادخواست ضرر و زیان رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می نماید.

ماده ۱۳ - دادگاه های عمومی و انقلاب صلاحیت دارند به کلیه ایرادهای دو طرف دعوا و مبانی و مقدمات جرم رسیدگی کنند. هرگاه ضمن رسیدگی به پرونده ای، مشخص شود اتخاذ تصمیم منوط است به امری که رسیدگی به آن از اختیارات دادگاه دیگری می باشد قرار اناطه صادر و به طرفین ابلاغ می شود، ذی نفع مکلف است ظرف یک ماه موضوع را در دادگاه صالح پیگیری و گواهی آن را به دادگاه رسیدگی کننده ارائه نماید. در غیر این صورت دادگاه به رسیدگی خود ادامه داده و تصمیم مقتضی خواهد گرفت.

ماده ۱۴ - در صورتی که رسیدگی به موضوع از جمله مسایلی باشد که در محدوده اختیارات تفویضی به قاضی رسیدگی کننده نباشد قرار امتناع از رسیدگی صادر و موضوع را به اطلاع رییس حوزه قضایی جهت تعیین دادرس برای رسیدگی می رساند.

باب اول - کشف جرم و تحقیقات مقدماتی فصل اول - ضابطان دادگستری و تکالیف آنان

ماده ۱۵ - ضابطان دادگستری مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم به موجب قانون اقدام نمایند و عبارتند از:

- ۱ - پرسنل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
 - ۲ - روسا، معاونان و ماموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان.
 - ۳ - سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورا عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف نیروی انتظامی را به آنان محول کند.
 - ۴ - نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مامورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند.
- ماده ۱۶ - ضابطان دادگستری مکلفند دستورهای مقام قضایی را اجرا کنند. در صورت تخلف به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد.
- ماده ۱۷ - ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در غیر جرایم مشهود مراتب را



جمهوری اسلامی ایران

نسیس ممنوع

جهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام‌های صالح قضایی اعلام می‌کنند و در خصوص جرایم مشهود تمامی اقدام‌های لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و آن را به اطلاع مقام قضایی می‌رسانند. تبصره - ضابطان دادگستری مکلفند در هر ماه پرونده‌هایی را که در آن ماه به آنان ارجاع شده و به هر علتی تکمیل نشده است با ذکر علت به نظر مقام قضایی برسانند. متخلف به مجازات مقرر در ماده (۱۶) این قانون محکوم خواهد شد.

ماده ۱۸ - جرایم مشهود عبارت است از:

- ۱ - جرمی که در مرئی و منظر ماموران کشف جرایم واقع شده و یا بلافاصله ماموران یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته و یا آثار جرم را پس از وقوع ملاحظه کنند.
- ۲ - در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده و یا خود مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید.
- ۳ - بلافاصله پس از وقوع جرم علائم و آثار واقعه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود.
- ۴ - در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود.

۵ - در مواردی که صاحبخانه ورود ماموران را به خانه خود تقاضا نماید.

ماده ۱۹ - هرگاه علائم و اماره‌های وقوع جرم مشکوک بوده و یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع صحیح نباشد ضابطان قبل از اطلاع به مقامهای قضایی، تحقیقات لازم را به عمل آورده و نتیجه را به مقامهای یاد شده اطلاع می‌دهند.

تبصره - منظور از تحقیقات ضابطان دادگستری در این ماده عبارت است از تفتیش، تفحص و استعلام‌های شفاهی و نظارت مخفی نسبت به اشخاص مظنون بدون اینکه حق دستگیری یا ورود به منزل کسی را داشته باشند.

ماده ۲۰ - در مورد جرایم مشهود که رسیدگی به آنها از صلاحیت مقام قضایی محل خارج است، مقام قضایی محل مکلف است کلیه اقدام‌های لازم را برای جلوگیری از امحای اثرات جرم و فرار متهم و هر تحقیقی که برای کشف جرم لازم بداند به عمل آورده و نتیجه اقدام‌های خود را سریعاً به مقام قضایی صالح اعلام نماید.

تبصره - اشخاصی که صلاحیت رسیدگی به جرایم آنان، طبق قانون در خارج از حوزه قضایی محل وقوع جرم تعیین شده باشد نیز مشمول این ماده خواهند بود.

ماده ۲۱ - ضابطان دادگستری نتیجه اقدام‌های خود را به اطلاع مقام قضایی می‌رسانند، در صورتی که مقام قضایی اقدام‌های انجام شده را کافی نیافت می‌تواند تکمیل آن را بخواهد، در این مورد



جمهوری اسلامی ایران

سپس جمهور

ضابطان مکلفند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدام‌های قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، لیکن نمی‌توانند متهم را بیش از (۲۴) ساعت در بازداشت نگهدارند و چنانچه بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات بیش از (۲۴) ساعت لازم باشد با کسب اجازه از مقام قضایی اقدام نمایند، همچنین اجرای تفتیش منازل و جلب اشخاص در غیر جرایم مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد حتی اگر اجرای تحقیقات به طور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد.

ماده ۲۲ - اقدامات ضابطان دادگستری در مورد دو ماده قبل موافق قواعد و ترتیب‌هایی است که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است.

ماده ۲۳ - ضابطان پس از ورود مقام قضایی تحقیقاتی را که انجام داده به وی تسلیم می‌کنند و دیگر حق مداخله ندارند، مگر به دستور مقام قضایی و یا مأموریت جدیدی که از طرف وی به ضابط ارجاع می‌شود.

فصل دوم: اختیارات دادرس دادگاه و قاضی تحقیق

ماده ۲۴ - در حوزه‌هایی که شعب متعدد دادگاه تشکیل شده باشد، پرونده‌ها و شکایات واصله توسط رییس شعبه اول به شعب ارجاع می‌شود، رییس شعبه اول می‌تواند این اختیار را به یکی از معاونان خود تفویض نماید.

ماده ۲۵ - رییس یا دادرس علی‌البدل هر شعبه می‌تواند تحقیقات لازم را خود انجام دهد و یا آن را به یکی از قضات تحقیق یا ضابطان دادگستری و یا مراجع ذی‌صلاح دیگر محول نماید. در صورت ارجاع به قاضی تحقیق تعیین قاضی تحقیق با رییس شعبه اول می‌باشد.

ماده ۲۶ - قاضی تحقیق زیر نظر قاضی دادگاه انجام وظیفه خواهد نمود و می‌تواند در انجام تحقیقات از ضابطان دادگستری نیز استفاده نماید که در این صورت نتیجه تحقیقات به قاضی تحقیق اعلام می‌شود.

ماده ۲۷ - مقام‌ها و اشخاص رسمی در مواردی که امر جزایی باید تعقیب شود مراتب را به رییس حوزه قضایی یا معاون وی اطلاع می‌دهند.

ماده ۲۸ - قاضی دادگاه حق دارد در تحقیقات مقدماتی حضور یابد و بر نحوه تحقیقات نظارت نماید.

ماده ۲۹ - قاضی تحقیق در موقع تحقیقات، تقاضای قانونی رییس دادگاه را اجرا نموده و نتیجه آن را در صورت مجلس قید می‌کند و چنانچه در موقع اجرای تصمیم دادگاه دچار اشکالی شود در صورت امکان آن را اجرا و در باب اشکال به رییس دادگاه رجوع و منتظر حل مشکل می‌شود.

ماده ۳۰ - قاضی دادگاه می‌تواند خود قرار بازداشت متهم را در موارد مذکور در ماده (۳۲) این قانون صادر و یا با قرار بازداشت صادر شده توسط قاضی تحقیق موافقت نماید و در هر حال ظرف مدت (۲) ماه باید وضعیت متهم روشن شود و در صورت عدم ضرورت ادامه بازداشت، قرار صادر



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جنهور

شده به تامین متناسب دیگر تبدیل می شود، چنانچه ادامه بازداشت متهم لازم باشد پس از انقضای دو ماه، قرار بازداشت ابقا و به متهم ابلاغ می شود. در این صورت متهم می تواند ظرف ده روز به تصمیم دادگاه اعتراض کند. در صورت عدم پذیرش اعتراض، پرونده به منظور رسیدگی به اعتراض متهم به شعبه هم عرض ارسال می شود و رای این دادگاه قطعی خواهد بود.

تبصره ۱ - متهم حق دارد هر دو ماه یک بار به قرار بازداشت موقت خود اعتراض نماید که به ترتیب یاد شده در این ماده اقدام خواهد شد.

تبصره ۲ - چنانچه قرار بازداشت موقت، نامتناسب صادر شده باشد موجب تعقیب انتظامی و محکومیت صادر کننده قرار از درجه (۴) به بالا خواهد بود.

ماده ۳۱ - قاضی تحقیق می تواند در تمام مراحل تحقیقات قرار توقیف متهم و یا قرار اخذ تامین و یا تبدیل تامین را صادر و در مورد قرار بازداشت و یا قرار تامینی که منتهی به بازداشت متهم شود حداکثر ظرف مدت (۲۴) ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد رئیس دادگاه ارسال کند.

ماده ۳۲ - توقیف متهم در موارد زیر جایز است:

الف - مرتکب جرم عمدی که مجازات قانونی آن بیش از (۵) سال حبس تعیین شده باشد.

ب - مرتکب جرم عمدی به وسیله چاقو، کارد، قمه، قداره، ساطور، سر نیزه، تفنگ، و آلات قتاله مشابه، در صورتی که دلایل و قراین موجود، دلالت بر توجه اتهام به او کند.

ج - مرتکب سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشاء، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند مجعول، هرگاه دلایل و قراین موجود دلالت بر توجه اتهام به وی نماید و حداقل یک فقره سابقه محکومیت قطعی یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور را داشته باشد.

د - در مواردی که آزاد بودن متهم احتمالاً موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با شهود و مطلعان واقعه شده یا سبب شود شهود از ادای شهادت امتناع نمایند یا آزادی متهم باعث تشویش اذهان عمومی شود، همچنین در مواقعی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود.

ماده ۳۳ - در صورتی که دادگاه اطلاعات بیشتری را در خارج از حوزه قضایی خود ضروری بداند می تواند مراتب را با ذکر موارد از دادگاه محل، درخواست نماید.

ماده ۳۴ - شاکی یا مدعی خصوصی یا متهم می توانند به جهت یا جهاتی که موجب رد قاضی می باشد قاضی تحقیق را رد و موضوع را بصورت کتبی به رئیس دادگاه اعلام نمایند، در صورت قبول ایراد، رئیس دادگاه مراتب را جهت تعیین قاضی تحقیق دیگری به نظر رئیس شعبه اول می رساند، همچنین در صورتی که قاضی تحقیق خود را واجد یکی از موارد رد قاضی بداند مراتب را به رئیس دادگاه اعلام کند.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس‌جمهور

ماده ۳۵ - رئیس دادگاه و قاضی تحقیق هنگامی اقدام به تحقیقات مقدماتی می‌نمایند که طبق قانون این حق را داشته باشند.

ماده ۳۶ - رئیس دادگاه یا قاضی تحقیق باید در نهایت بی طرفی تحقیقات را انجام داده و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرقی نگذارند.

ماده ۳۷ - رئیس دادگاه یا قاضی تحقیق مکلفند اقدام‌های فوری برای جلوگیری از امحای آثار و علایم جرم به عمل آورده و در تحصیل و جمع‌آوری اسباب و دلایل جرم نباید به هیچ وجه تاخیر کنند. تبصره - تخلف از دستورهای مندرج در این ماده و ماده قبل موجب محکومیت انتظامی متخلف از درجه (۴) به بالا خواهد بود.

ماده ۳۸ - رئیس دادگاه یا قاضی تحقیق می‌توانند تحقیقات ضابطان دادگستری را مورد بررسی قرار داده چنانچه تغییر یا تکمیل تحقیقات لازم باشد تصمیم مقتضی اتخاذ کنند.

ماده ۳۹ - دستور رئیس دادگاه یا قاضی تحقیق را، مقام‌های رسمی اداره‌ها و ضابطان باید فوری اجرا کنند.

ماده ۴۰ - رئیس دادگاه یا قاضی تحقیق می‌توانند اجرای تفتیش یا تحقیق از شهود و مطلعان یا جمع‌آوری اطلاعات و دلایل و اماره‌های جرم و یا هر اقدام دیگری را که برای کشف جرم لازم بدانند با تعلیمات لازم به ضابطان ارجاع کنند.

ماده ۴۱ - هرگاه در برابر رئیس دادگاه یا قاضی تحقیق هنگام انجام وظیفه مقاومتی شود، رئیس دادگاه یا قاضی تحقیق می‌توانند از قوای نظامی و انتظامی استفاده کنند. قوای یاد شده مکلف به انجام آن هستند.

ماده ۴۲ - رئیس دادگاه یا قاضی تحقیق یا ضابطان نمی‌توانند به عذر این که متهم مخفی شده یا معین نیست و یا دسترسی به او مشکل است تحقیقات خود را متوقف سازند.

مبحث اول: ردّ دادرسان و قضات تحقیق

ماده ۴۳ - دادرسان دادگاهها و قضات تحقیق در موارد زیر باید از رسیدگی و تحقیق امتناع کنند و طرفین نیز می‌توانند آنها را ردّ کنند:

الف - وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس یا قاضی تحقیق با یکی از اطراف دعوا یا اشخاصی که در امر جزایی دخالت دارند.

ب - در صورتی که دادرس یا قاضی تحقیق قسیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور آنان باشد.

ج - در صورتی که دادرس یا قاضی تحقیق یا عیال یا اولاد ایشان وارث یکی از اشخاصی باشد که در امر جزایی دخالت دارند.



د - در صورتی که دادرس یا قاضی تحقیق در همان امر جزایی پیش از آن اظهار نظر ماهوی کرده باشد یا جزو شهود یکی از طرفین باشد.

ه - در صورتی که بین دادرس یا قاضی تحقیق و یکی از طرفین یا همسر او دعوی حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد. و - در صورتی که دادرس یا قاضی تحقیق یا زوجه ایشان، نفع شخصی در موضوع مطرح داشته باشند.

ماده ۴۴ - رد دادرس یا قاضی تحقیق در صورت وجود جهت یا جهاتی که در ماده قبل مذکور است، باید قبل از صدور حکم یا انجام تحقیقات باشد مگر اینکه جهت رد بعد از آن حادث یا کشف شود که در این صورت مورد از جهات تجدید نظر است. در موارد مذکور باید خود دادرسان یا قضات تحقیق هم از رسیدگی و تحقیق امتناع کنند.

ماده ۴۵ - اظهار رد به دادرس دادگاه تسلیم می شود هرگاه دادرس خود را مردود بدانند از رسیدگی امتناع می کند و رسیدگی به دادرس علی البدل یا به شعبه دیگر ارجاع می شود و در صورت نبودن دادرس علی البدل یا شعبه دیگر، پرونده جهت رسیدگی به نزدیکترین دادگاه هم عرض فرستاده می شود.

تبصره ۱ - هرگاه دادرس رد را قبول نکرد به رسیدگی ادامه می دهد و ایراد کننده می تواند ضمن تقاضای تجدید نظر از حکم صادره، به این موضوع اعتراض و درخواست رسیدگی نماید.

تبصره ۲ - اظهار رد قاضی تحقیق به دادرس دادگاه رسیدگی کننده تسلیم می شود، دادگاه در صورت قبول ایراد انجام تحقیقات را به قاضی تحقیق دیگری ارجاع و یا خود اقدام به تحقیق می نماید.

مبحث دوم: صلاحیت دادگاه

ماده ۴۶ - دادگاهها فقط در حوزه قضایی که در آن مأموریت دارند ایفای وظیفه می کنند.

ماده ۴۷ - دادگاه در صورت وجود جهات قانونی در موارد زیر شروع به تحقیقات و رسیدگی می کند:

الف - جرم در حوزه قضایی آن واقع شده باشد.

ب - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شده ولی متهم در حوزه قضایی آن دستگیر یا جرم در حوزه قضایی او کشف شده باشد.

ج - وقتی که متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه آن مقیم است، هر چند جرم در حوزه دادگاه دیگری واقع شده باشد.

ماده ۴۸ - در مواردی که جرم خارج از حوزه قضایی دادگاه واقع شده ولی در حوزه آن کشف یا مرتکب در حوزه آن دستگیر شده است، دادگاه به تقاضای دادگاه حوزه وقوع جرم تحقیقاتی را که مقتضای محلی است که متهم در آنجا دستگیر شده است به عمل آورده، نتیجه تحقیقات را همراه با



متهم (در صورتی که دستگیر شده باشد) نزد دادگاهی که در حوزه آن جرم واقع شده است می فرستند. ماده ۴۹ - چنانچه جرمی در محلی کشف شود و دادگاه محل کشف نداند محل وقوع جرم در کجا بوده به تحقیقاتی که شروع کرده ادامه می دهد تا وقتی که تحقیقات ختم و یا محل وقوع جرم معلوم شود، چنانچه محل وقوع جرم مشخص نشد، دادگاه رسیدگی را ادامه داده و اقدام به صدور رای می نماید.

ماده ۵۰ - چنانچه تحقیق از متهم یا استماع شهادت شهود و یا معاینه محل یا بازرسی از منزل و جمع آوری آلات جرم و به طور کلی هر اقدام دیگر در محلی که خارج از حوزه قضایی دادگاه است لازم شود، دادگاهی که مشغول رسیدگی است اقدام های یاد شده را با ذکر صریح موارد از دادگاه آن محل تقاضا می نماید. دادگاه اقدام ها و تحقیقات مورد تقاضا را انجام داده و اوراق یاد شده را پس از امضا نزد دادگاه نیابت دهنده اعاده می کند.

ماده ۵۱ - هنگامی که دادگاه در خواست تحقیق از متهمی را، از دادگاه دیگری می نماید، می تواند تأمینی را معین کرده و مقرر دارد تأمین یاد شده از متهم گرفته شود یا اینکه تأمین را به نظر قاضی که تحقیق از او در خواست شده است واگذار نماید. در مواردی که دادگاه تقاضا کننده نظری راجع به تأمین اظهار نکرده باشد، قاضی که تحقیق از او در خواست شده است پس از احراز عدم اخذ تأمین متناسب به وسیله قاضی تقاضا کننده، به نظر خود تأمین متناسبی اخذ خواهد کرد. تبصره - دادگاهی که تحقیق بدان ارجاع شده می تواند انجام تحقیقات را به قاضی تحقیق تحت نظر خود محول نماید.

ماده ۵۲ - تحقیقات مقدماتی باید در صورت امکان سریع انجام شود، لذا تعطیلات مانع از انجام تحقیقات نمی شود.

مبحث سوم: تحقیقات قاضی

ماده ۵۳ - جهات زیر، جهات قانونی برای شروع به تحقیقات و رسیدگی محسوب می شوند:

- ۱ - ارجاع رییس حوزه قضایی.
- ۲ - شکایت شاکی یا اعلام جرم توسط ضابطان به دادگاه.
- ۳ - جرایم مشهود در صورتی که رییس دادگاه یا قاضی تحقیق ناظر وقوع آن باشند.
- ۴ - اظهار و اقرار متهم.

ماده ۵۴ - هرگاه کسی اعلام نماید که خود ناظر وقوع جرمی بوده که دارای جنبه عمومی است، این اظهار برای شروع تحقیقات کافی است حتی اگر دلایل دیگری برای اجرای تحقیقات نباشد ولی اگر اعلام کننده شاهد قضیه نبوده به محض اعلام نمی توان شروع به تحقیقات نمود، مگر اینکه دلایل صحت ادعا موجود باشد.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

ماده ۵۵ - گزارش ها و نامه های بی امضا را نمی توان مبنای شروع تحقیقات قرار داد، مگر آنکه دلالت کند بر وقوع امر مهمی که موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی است یا دارای قراینی باشد که به نظر قاضی برای شروع به تحقیقات کافی است.

ماده ۵۶ - شکایت برای شروع به تحقیقات کافی است، قاضی دادگاه نمی تواند از انجام تحقیقات خودداری نماید.

ماده ۵۷ - شاکیان و مدعیان می توانند خود یا توسط وکیل شکایت کنند. در شکواییه موارد زیر باید قید شود:

- ۱ - نام و نام خانوادگی و نام پدر و نشانی دقیق خود.
 - ۲ - موضوع شکایت و ذکر اینکه در چه تاریخ و در کجا واقع شده است.
 - ۳ - ضرر و زیانی که به مدعی وارد شده و مورد مطالبه است.
 - ۴ - ذکر مشخصات و نشانی مشتکی عنه یا مظنون.
 - ۵ - ذکر اسامی و مشخصات و نشانی مطلعان و سایر ادله.
- تبصره ۱ - در حوزه هایی که شعب دادگاه متعدد باشد عرض حال شاکی در دفتر کل ثبت و توسط رئیس حوزه قضایی به یکی از شعب ارجاع می شود.
- تبصره ۲ - چنانچه عرض حال ناقص یا شفاهی باشد مراتب در صورتجلسه تنظیمی توسط دفتر دادگاه منعکس و به امضا یا اثر انگشت شاکی می رسد.
- ماده ۵۸ - هرگاه شاکی نتواند متهم را معین نماید یا دلایل اقامه دعوی کافی نباشد و یا شاکی از شکایت خود صرف نظر نموده و موضوع از جرایم غیر قابل گذشت باشد، دادگاه تحقیقات لازم را انجام می دهد.

ماده ۵۹ - شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت ضابطان دادگستری قبول می نمایند و شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می رسد، اگر شاکی نتواند امضا کند یا فاقد سواد باشد آن را در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می شود.

ماده ۶۰ - در مواردی که تعقیب امر جزایی منوط به شکایت شاکی خصوصی است و متضرر از جرم محجور (صغیر، غیر رشید یا مجنون) بوده و دسترسی به ولی یا قیم او نباشد یا مجنی علیه ولی یا قیم نداشته باشد و نصب قیم موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده باشد یا مداخله در آن داشته باشد، دادگاه فردی را به عنوان قیم موقت تعیین می کند و یا خود امر جزایی را تعقیب نموده و اقدام های ضروری برای حفظ و جمع آوری دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می آورد.

ماده ۶۱ - شاکی حق دارد هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و دلایل خود را اظهار نماید و از صورتجلسه تحقیقات مقدماتی که منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد پس از پرداخت هزینه



رونوشت بگیرد.

ماده ۶۲ - شاکی می‌تواند تامین ضرر و زیان خود را از دادگاه تقاضا نماید، در صورتی که تقاضای شاکی مبتنی بر دلایل باشد قاضی دادگاه خود قرار تامین خواسته را صادر می‌نماید، این قرار قطعی و غیر قابل اعتراض است.

ماده ۶۳ - در صورتی که خواسته شاکی عین معینی نبوده و یا معین بوده لکن توقیف آن ممکن نباشد، دادگاه معادل مبلغ ضرر و زیان شاکی از سایر اموال و دارایی متهم توقیف می‌کند و اگر تقاضای تبدیل توقیف اموال متهم به ضامن بشود، دادگاه طبق مقررات فصل مربوط به آیین دادرسی مدنی عمل می‌نماید. قرار تامین به محض ابلاغ به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

ماده ۶۴ - در صورتی که ثابت شود شکایت خلاف واقع بوده، شاکی غیر محق علاوه بر تادیبه خسارات طرف شکایت مکلف به پرداخت هزینه‌های تحقیقاتی می‌باشد.

تبصره - دادگاه ضمن صدور حکم، هزینه‌های تحقیقاتی را نیز تعیین خواهد کرد.

ماده ۶۵ - هرگاه هنگام تحقیقات، قاضی دادگاه جرم دیگری را کشف نماید که به جرم اول مربوط نیست در صورتی که شعبه دادگاه منحصر به فرد باشد به آن جرم نیز رسیدگی می‌نماید و چنانچه شعب دادگاه متعدد باشد اقدام‌های لازم را موافق قوانین برای حفظ آثار و امارات جرم مکشوف و جلوگیری از فرار متهم به عمل آورده و مراتب را به رییس شعبه اول اطلاع می‌دهد و پس از ارجاع وی به رسیدگی ادامه خواهد داد.

بخش اول - در معاینه‌های محلی

ماده ۶۶ - معاینه‌های محلی به طور مستقیم توسط رییس دادگاه و یا قاضی تحقیق و یا به دستور ایشان توسط ضابطان دادگستری و یا اهل خیره انجام می‌شود. در هنگام معاینه‌های محلی اشخاصی که در امر جزایی شرکت دارند می‌توانند حضور یابند لکن قاضی منتظر ایشان نمی‌شود.

ماده ۶۷ - معاینه‌های محلی در روز به عمل می‌آید، مگر در موارد فوری.

ماده ۶۸ - هنگام تحقیقات و معاینه‌های محلی تمامی آثار و علایم موجود در محل که به نحوی در قضیه موثر می‌باشد و مشاهده و کشف شده، در صورت مجلس قید می‌شود.

ماده ۶۹ - برای حضور در معاینه‌ها و تحقیقات محلی علاوه بر شهود واقعه از مطلعان نیز دعوت می‌شود. در موارد فوری قاضی می‌تواند اشخاصی را که حضور ایشان ضروری است به محل دعوت نماید و در مواردی که حضور زنان ضروری می‌باشد از زنان شوهر دار دعوت به عمل می‌آید.

ماده ۷۰ - اشخاصی که برای حضور در معاینه‌ها و تحقیقات محلی دعوت شده‌اند اگر بدون عذر موجه حاضر نشوند و فرد صلاحیت‌دار هم حضور نداشته باشد به حکم قاضی جلب می‌شوند.

ماده ۷۱ - از اهل خیره هنگامی دعوت به عمل می‌آید که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی و



جمهوری اسلامی ایران

سپس جمهور

یا معلومات مخصوص لازم باشد از قبیل پزشک، داروساز، مهندس، ارزیاب و دیگر صاحبان حرف. چنانچه اهل خبره بدون عذر موجه حضور نیابد و من به الکفایه هم نباشد، به حکم قاضی جلب خواهد شد.

ماده ۷۲- در هنگام تحقیقات توسط اهل خبره، هرگاه قاضی لازم بداند می تواند حضور یابد.
ماده ۷۳- قاضی مکلف است پرسش های لازم را از اهل خبره به صورت کتبی و شفاهی به عمل آورده و آن را در صورتمجلس قید نماید. در صورتی که بعضی از آثار از نظر قاضی حایز اهمیت در کشف حقیقت باشد ولی به نظر خبره این اهمیت را نداشته باشد، خبره مکلف است به درخواست قاضی نسبت به آن اظهار نظر نماید.

ماده ۷۴- هرگاه در عقاید اهل خبره اختلافی حاصل شود یا عقیده آنان به نظر قاضی مشکوک باشد قاضی می تواند از خبرگان دیگری دعوت نماید و یا نظرات ایشان را نزد متخصصین علم یا فن فرستاده و عقیده آنان را استعلام نماید.

ماده ۷۵- برای معاینه اجساد و جراحتهای و آثار و علایم ضرب و صدمه های جسمی و آسیب های روانی و سایر معاینه ها و آزمایش های پزشکی، قاضی از پزشک قانونی دعوت می نماید و اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد پزشک دیگری دعوت می شود. هرگاه پزشک قانونی در امری تخصص نداشته باشد قاضی می تواند از پزشک متخصص نیز دعوت به عمل آورد.

ماده ۷۶- قاضی می تواند در صورت لزوم به یک پزشک اکتفا نکرده و از چند پزشک دعوت کند که پزشک معالج هم مستثنی نخواهد بود.

ماده ۷۷- تا حضور پزشک، قاضی اقدام های لازم را برای حفظ جسد و تحقیق برای کشف هویت متوفی و چگونگی فوت و غیره به عمل می آورد.

ماده ۷۸- شهود تحقیق و سایر اشخاصی که حق حضور دارند می توانند به نظریه اهل خبره اعتراض نمایند و مراتب در صورتمجلس قید می شود.

ماده ۷۹- پزشک باید نظر مکتوب خود را حداکثر ظرف سه روز به قاضی اعلام نماید مگر در مواردی که اظهار نظر مستلزم مدت بیشتری باشد.

ماده ۸۰- در صورت اختلاف نظر پزشکان و یا تناقض نظر پزشک با اوضاع و احوال واقعه، قاضی نظر پزشک را نزد متخصصان می فرستد، اشخاص یاد شده بعد از خواستن توضیحات لازم از پزشکی که معاینه نموده نظر خود را به طور کتبی به قاضی اعلام می کنند.

ماده ۸۱- هرگاه هویت متوفی معلوم نباشد قاضی علایم و مشخصات جسد و اثر انگشت او را به طور دقیق در صورتمجلس قید می نماید و در صورت امکان دستور عکسبرداری از آن را می دهد، سپس برای تشخیص هویت متوفی به هر وسیله ای که مقتضی بداند اقدام می نماید.



ماده ۸۲- هرگاه ضمن تحقیقات، قاضی تحقیق متوجه شود که متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده است، توسط پزشک تحقیقات لازم را به عمل آورده و بعد از استعلام از کسان و نزدیکان او یا دیگر مطلعان، مراتب را در صورتمجلس قید کرده پرونده را به دادگاه ارسال می‌دارد. دادگاه پس از بررسی پرونده هرگاه تحقیقات قاضی تحقیق و اهل خیره را کافی دید و از صحت آن مطمئن شد از نظر جزایی قرار موقوفی تعقیب صادر و در مورد دیه یا خسارات مالی در صورت مطالبه، حکم مقتضی صادر می‌نماید، ضمناً شخص مجنون را به اداره ذی‌ربط اعزام می‌کند و در صورتی که اطمینان به صحت تحقیقات و نظر اهل خیره حاصل نکرد، می‌تواند تحقیقات اهل خیره دیگر را بخواهد.

بخش دوم: تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم

ماده ۸۳- تفتیش و بازرسی منازل در مواردی به عمل می‌آید که بر حسب دلایل کافی، تصور شود می‌توان متهم یا اسباب و آلات یا دلایل جرم را در آن محل کشف کرد.

ماده ۸۴- تفتیش و بازرسی در حضور صاحبخانه و شاهد تحقیق و در غیاب صاحبخانه در حضور بزرگتر خانه به عمل می‌آید و تفتیش و بازرسی اماکن نیز حتی المقدور با حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام می‌شود.

تبصره - هرگاه در محلی که از آن تفتیش و بازرسی به عمل می‌آید کسی نباشد و تفتیش و بازرسی نیز فوریت داشته باشد، قاضی می‌تواند با قید مراتب در صورتجلسه، دستور باز کردن محل را بدهد.

ماده ۸۵- اشخاصی که در امر جزایی دخیل هستند می‌توانند در موقع تفتیش و بازرسی حاضر باشند ولی سایر اشخاص نمی‌توانند داخل شوند مگر با اجازه صاحبخانه.

ماده ۸۶- تفتیش و بازرسی منازل در روز به عمل می‌آید و در هنگام شب در صورتی انجام می‌گیرد که ضرورت اقتضا کند. جهت ضرورت را قاضی باید در صورتمجلس قید نماید.

ماده ۸۷- در صورت لزوم قاضی می‌تواند ورود و خروج به محل بازرسی را ممنوع نماید و برای اجرای این دستورات نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی استفاده کند.

ماده ۸۸- در صورتی که صاحبخانه یا متصدیان سایر اماکن دستور قاضی را در باز کردن محل‌ها و اشیای بسته اجرا ننمایند، قاضی می‌تواند دستور باز کردن را بدهد ولی مکلف است حتی المقدور از اقداماتی که باعث تضییع اشیای می‌شود احتراز نماید.

ماده ۸۹- از اوراق و نوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شاهد تحقیق ارائه می‌شود و قاضی مکلف است در مورد سایر نوشته‌های متهم با کمال احتیاط رفتار نموده و موجب افشای مضمون آنها که ارتباط به جرم ندارد نشود.

ماده ۹۰- مقامها و ماموران دولتی نمی‌توانند از ارائه و تحویل اسباب و آلات جرم به قاضی



امتناع کنند.

ماده ۹۱- در مواردی که ملاحظه و تفتیش و بازرسی نوشته‌ها یا نامه‌هایی که به نام متهم توسط اداره‌های پست و تلگراف و تلفن وارد می‌شود برای کشف جرم لازم باشد قاضی به اداره‌های ذی ربط اطلاع می‌دهد که نامه یا تلگراف متهم را توقیف نموده نزد او بفرستند، بعد از وصول نامه یا تلگراف آن را در حضور متهم باز کرده و مراتب را در صورت‌مجلس قید نموده، خود و متهم آنرا امضا و در پرونده ضبط می‌نماید. استنکاف متهم از امضا در صورت‌مجلس قید می‌شود و چنانچه نوشته‌های مزبور حایز اهمیت نباشد و ضبط آن ضرورت نداشته باشد با اخذ رسید به صاحبش مسترد می‌شود.

تبصره- کنترل مکالمه‌های تلفنی و هرگونه ارتباط مخابراتی در مواردی که برای اثبات جرم لازم باشد به طور مستقیم با دستور قاضی دادگاه انجام می‌گیرد.

ماده ۹۲- وزارتخانه‌ها، اداره‌ها و موسسه‌های دولتی و وابسته به دولت و نهادها و شهرداری‌ها و ماموران به خدمات عمومی و بانک‌ها و دفاتر اسناد رسمی و دستگاههایی که شمول قانون در مورد آنها مستلزم ذکر نام است مکلفند اسباب و دلایل جرم و اطلاعات و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری که مراجعه به آنها برای تحقیق امر جزایی لازم است به درخواست مرجع قضایی رسیدگی کننده ابراز نموده و در دسترس آنها بگذارند. مگر در مورد اسناد سرّی دولتی که در این صورت باید با اجازه رئیس قوه قضاییه باشد، متخلف از این ماده محکوم به انفصال موقت از خدمات دولتی از ششماه تا یک سال خواهد شد.

ماده ۹۳- هرگاه متهم نوشته‌های خود را که موثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد قاضی می‌تواند آنها را حسب مورد در حضور وکیل یا آن شخص بررسی نماید و در صورت استنکاف از ارایه آنها، مستنکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم خواهد شد.

ماده ۹۴- آلات و ادوات جرم از قبیل حربه و اسلحه و اسناد ساختگی و سکه تقلبی و کلیه اشیایی که در حین بازرسی به دست آمده و می‌تواند موجب کشف جرم یا اقرار متهم به جرم خود باشد باید ضبط شده و در صورت‌مجلس، هر یک از اشیای مزبور تعریف و توصیف شود.

ماده ۹۵- آلات و ادوات جرم را باید شماره‌گذاری و مهرور و حفظ نمود و آنچه را که قاضی تحصیل می‌کند باید با ذکر مشخصات به صاحبش برگ رسید بدهد.

ماده ۹۶- هرگاه دلایل جرم چیزی باشد که نتوان از محل جدا و خارج نمود (مثل خونی که ریخته)، در این صورت قاضی باید نسبت به حفظ دلایل یاد شده اقدام نماید و اگر لازم باشد محل را قفل و مهر و موم کرده حفاظت آن را به نیروی انتظامی یا مستحفظ مخصوص بسپارد.

ماده ۹۷- از مایعاتی که قابل تجزیه است به قدر لزوم تحصیل می‌شود، آن را باید در ظرفی ریخته مهر و موم کرده به گونه‌ای که ضایع یا تفریط نشود، از مایعات باید حداقل سه ظرف به عنوان



نمونه برداشته شود.

ماده ۹۸- اموال مسروقه یا اشیایی که به واسطه ارتکاب جرم تحصیل شده و یا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات ضبط شده، باید به دستور قاضی، به کسی که مال از او سرقت رفته و یا اخذ شده مسترد شود. مگر اینکه وجود تمام یا قسمتی از آنها در موقع تحقیق یا دادرسی لازم باشد که در این صورت پس از رفع احتیاج به دستور قاضی مسترد می شود. اشیایی که برابر قانون باید ضبط یا معدوم شود از حکم این ماده مستثنا است.

بخش سوم: احضار و بازجویی متهم

ماده ۹۹- احضار متهم به وسیله احضار نامه به عمل می آید. احضار نامه در دو نسخه فرستاده می شود، یک نسخه را متهم گرفته و نسخه دیگر را امضا کرده به مامور احضار رد می کند.
ماده ۱۰۰- در احضار نامه اسم و شهرت احضار شده و تاریخ و علت احضار و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود.

تبصره - در جرایمی که مصلحت اقتضا نماید، علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر نخواهد شد.

ماده ۱۰۱- هرگاه احضار شده سواد نداشته باشد، مضمون احضار نامه در حضور دو نفر شاهد ابلاغ می شود. ترتیبات ابلاغ احضار نامه به گونه مقرر در فصل مربوط به آیین دادرسی مدنی خواهد بود.

ماده ۱۰۲- هرگاه در امر جزایی ابلاغ احضاریه به واسطه معلوم نبودن محل اقامت ممکن نشود و به طریق دیگری هم ابلاغ احضاریه ممکن نگردد با تعیین وقت رسیدگی، متهم سه نوبت متوالی و سیله یکی از روزنامه های کثیرالتشعار احضار و در صورت عدم حضور، قاضی رسیدگی و اظهار عقیده می نماید. تاریخ نشر آخرین آگهی تا روز دادرسی کمتر از دو ماه نباید باشد.

ماده ۱۰۳- احضار شده باید خود حاضر شود و اگر نتواند حاضر شود باید عذر موجه خود را ثابت کند.

جهات زیر عذر موجه محسوب می شود:

- ۱- نرسیدن احضار نامه یا دیر رسیدن به گونه ای که مانع از حضور در وقت مقرر شود.
- ۲- مرضی که مانع از حرکت است.
- ۳- فوت یکی از والدین یا همسر یا اولاد یا مرض سخت یکی از اشخاص یاد شده.
- ۴- ابتلا به حوادث مهم از قبیل حریق و امثال آن.
- ۵- عدم امکان تردد به واسطه بلیه های آسمانی مانند طغیان رودخانه و امراض مسری، از قبیل وبا و طاعون.



۶- در توقیف یا حبس بودن.

ماده ۱۰۴- اشخاصی که حضور پیدا نکرده و گواهی عدم امکان حضور هم نفرستاده باشند، به دستور قاضی جلب می‌شوند.

ماده ۱۰۵- قاضی می‌تواند در موارد زیر بدون اینکه بدو احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر نماید:

۱- بیم فرار و مخفی شدن متهم و امحای دلایل جرم برود.

۲- محل اقامت یا شغل و کسب او معین نباشد.

ماده ۱۰۶- جلب متهم به موجب برگ جلب به عمل می‌آید. برگ جلب که مضمونش، مضمون احضاریه است باید به متهم ابلاغ شود.

ماده ۱۰۷- مامور جلب پس از ابلاغ برگ جلب متهم را دعوت می‌نماید که با او نزد قاضی حاضر شود چنانچه متهم امتناع نماید او را جلب و تحت الحفظ به مرجع قضایی تسلیم خواهد نمود و در صورت نیاز می‌تواند از سایر ماموران استمداد نماید. کسانی که در امتناع متهم به او کمک نمایند تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

ماده ۱۰۸- جلب متهم به استثنای موارد فوری، باید در روز به عمل آید.

ماده ۱۰۹- در صورتی که متهم غایب باشد برگ جلب در اختیار ماموران ضابط قرار می‌گیرد تا هر جا متهم را یافتند جلب و تحویل مقام قضایی نمایند.

تبصره - در صورت ضرورت قاضی می‌تواند برگ جلب را در اختیار شاکی قرار دهد تا به معرفی او، ضابطان متهم را جلب و تحویل مرجع قضایی نمایند.

ماده ۱۱۰- از زمانی که به متهم برگ جلب ابلاغ می‌شود تا وقتی که نزد قاضی حاضر شود. وی تحت نظر و محافظت خواهد بود.

تبصره - ماموران مکلفند متهمی را که جلب کرده‌اند بلافاصله تحویل مقام قضایی دهند. در صورت عدم امکان، حق نگهداری بیش از (۲۴) ساعت را بدون اجازه مقام قضایی ندارند.

ماده ۱۱۱- قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند، مگر دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد.

ماده ۱۱۲- هرگاه شخصی که دستور احضار یا جلب او داده شده به علت بیماری نتواند نزد قاضی حاضر شود در صورت اهمیت و فوری بودن امر جزایی قاضی خود نزد او رفته و بازجویی لازم را به عمل می‌آورد و یا منتظر رفع مانع می‌شود.

ماده ۱۱۳- در مواردی که مصلحت اقتضا نماید، قاضی می‌تواند تحقیقات خود را شخصاً با حضور در محل افرادی که تحقیق از آنها لازم است انجام دهد.

ماده ۱۱۴- قاضی مکلف است بلافاصله پس از حضور متهم تحقیق خود را شروع و در صورت



جمهوری اسلامی ایران

شیرس جمهور

عدم امکان حداکثر ظرف (۲۴) ساعت مبادرت به تحقیق نماید.

ماده ۱۱۵- هرگاه متهم پس از حضور یا جلب بیش از (۲۴) ساعت در بازداشت بماند بدون اینکه برابر ماده قبل از وی تحقیق شود بازداشت غیر قانونی تلقی و مرتکب به مجازات مقرر آن محکوم خواهد شد.

ماده ۱۱۶- متهم می تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می شود.

ماده ۱۱۷- قاضی ابتدا هویت و مشخصات متهم (اسم، اسم پدر، شهرت، فامیل، سن، شغل، عیال، اولاد و تابعیت) را دقیقاً "سؤال نموده و متذکر می شود که مواظب اظهارات خود باشد و سپس موضوع اتهام و دلایل آنرا به صورت صریح به متهم تفهیم می کند آنگاه شروع به تحقیق می نماید. سئوالات باید مفید و روشن باشد. سئوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است. چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید امتناع او در صورت مجلس قید می شود.

تبصره ۱- قاضی در ضمن تحقیق هویت متهم، محل اقامت او را از شهر، قصبه، قریه، ده، کوچه، خیابان، منزل، شماره منزل و غیره به طوری که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به آسانی مقدور باشد تعیین و به متهم می فهماند محلی را که برای اقامت خود اعلام می کند، محل اقامت قانونی اوست و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد باید محل اقامت جدید را به گونه ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند، در غیر این صورت احضاریه ها به محل اقامت سابق فرستاده خواهد شد. تغییر محل اقامت به منظور تاخیر و طفره و تملل به گونه ای که ابلاغ اوراق متعسر باشد پذیرفته نیست و کلیه اوراق به همان محل سابق ابلاغ خواهد شد. تشخیص این موضوع با مقامی است که رسیدگی می نماید. رعایت مقررات این تبصره از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی لازم است. تخلف از مقررات این ماده موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه (۴) به بالا می باشد.

تبصره ۲- تخلف ماموران ابلاغ در انجام وظایف خود و یا گزارش خلاف واقع ایشان در امور مربوط به وظایفشان مشمول مقررات قانون مجازات اسلامی خواهد بود.

ماده ۱۱۸- از متهمان جز در مورد مواجهه، به صورت انفرادی بازجویی به عمل می آید و نباید با همدیگر وارد در گفتگو و مواضعه شوند. رعایت موازین شرعی در مورد متهمان زن ضروری می باشد. ماده ۱۱۹- جوابها همانطوری که بیان می شود باید بدون تغییر و تبدیل یا تحریف نوشته شود. متهمان باسواد می توانند خودشان جواب سئوالات را بنویسند.

ماده ۱۲۰- برای امکان دسترسی به متهم و حضور وی در موارد لزوم و همچنین جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا بیم تبانی، یکی از قرارهای تامین به شرح زیر صادر می شود:

۱- التزام به حضور با قول شرف.



۲- التزام به حضور با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم و در صورت استتکاف تبدیل به وجه الكفاله.

۳- اخذ کفیل.

۴- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول.

۵- بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر در ماده (۳۲).

تبصره ۱- قاضی مکلف است هنگام قبولی قرار کفالت یا وثیقه به کفیل یا وثیقه گذار تفهیم نماید که در صورت محکومیت متهم و عدم پرداخت وی تا مبلغ وجه الكفاله یا وجه الوثیقه خسارت های وارد شده و یا ضرر و زیان مدعی از محل وجه الكفاله یا وثیقه تودیعی پرداخت خواهد شد.

تبصره ۲- در صورتی که متهم از معرفی کفیل اظهار عجز نماید می تواند به میزان وجه الكفاله یا وثیقه اعم از نقدی یا مال منقول و غیر منقول تودیع نماید، در این صورت قاضی مکلف به قبول آن می باشد.

ماده ۱۲۱- با توجه به دلایل و اهمیت جرم، قاضی دادگاه می تواند متهم را از کشور ممنوع الخروج نماید و چنانچه پس از سه ماه رفع ممنوعیت به عمل نیاید متهم حق دارد از این تصمیم دادگاه به دادگاه تجدید نظر استان شکایت نماید.

ماده ۱۲۲- تامین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد.
تبصره- هرگاه قاضی تامین نامتناسب بگیرد، موجب تعقیب انتظامی و محکومیت وی از درجه (۴) به بالا خواهد بود.

ماده ۱۲۳- کفالت شخصی پذیرفته می شود که اعتبار او برای پرداخت وجه الكفاله محل تردید نباشد. تشخیص این موضوع با کسی است که قرار اخذ کفیل صادر می نماید. در صورت فرار متهم یا عدم دسترسی به او در مواردی که حضور متهم ضروری تشخیص داده شود کفیل ملزم به پرداخت وجه الكفاله خواهد بود.

ماده ۱۲۴- مبلغ وثیقه یا وجه الكفاله یا وجه التزام نباید در هر حال کمتر از خسارت هایی باشد که شاکی یا مدعی خصوصی درخواست می کند.

ماده ۱۲۵- قاضی در خصوص قبول وثیقه یا کفیل، قرار صادر نموده و به امضای کفیل یا وثیقه گذار رسانده و خود نیز امضا می نماید و در صورت درخواست رونوشتی از آن به کفیل یا وثیقه گذار داده می شود.

ماده ۱۲۶- در صورتی که حکم دادگاه در مورد حقوق الناس نسبت به متهم به طور غیابی صادر شده و دسترسی به محکوم علیه نباشد ابتدا از محل وجه الكفاله و یا وجه الضمان یا وثیقه محکوم به تادیه می شود.



جمهوری اسلامی ایران
سپهر

ماده ۱۲۷ - متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر شده، تا اجرای مفاد قرار در بازداشت می ماند.

ماده ۱۲۸ - هرگاه متهم در مواعید مقرر حاضر شده یا بعد از آن حاضر و عذر موجه خود را ثابت نماید و یا پرونده مختومه شده باشد، وثیقه مسترد و کفیل از مسؤلیت مبرا می شود.
تبصره ۱ - کفیل یا وثیقه گذار در هر مرحله از دادرسی با معرفی و تحویل مکفول عنه می توانند درخواست رفع مسؤلیت و یا آزادی وثیقه خود را بنمایند.
تبصره ۲ - در مورد کسانی که تنها محکوم به حبس شده اند با شروع اجرای حکم، مفاد این ماده قابل اجرا خواهد بود.

ماده ۱۲۹ - هرگاه متهمی که التزام یا وثیقه داده در موقعی که حضور او لازم دانسته شده بدون عذر موجه حاضر نشود وجه التزام به دستور رییس حوزه قضایی از متهم اخذ و وثیقه به طور موقت ضبط و در حساب سپرده خاصی نگهداری خواهد شد. اگر شخصی از متهم کفالت نموده یا برای او وثیقه سپرده و متهم را در موقعی که حضور او لازم بوده حاضر نکرده به او اخطار می شود ظرف بیست روز متهم را تسلیم نماید. در صورت عدم تسلیم به شرط ابلاغ واقعی اخطاریه به دستور رییس حوزه قضایی به صورت موقت وجه الکفاله اخذ و در حساب سپرده دولتی نگهداری و وثیقه نیز طبق مقررات ضبط خواهد شد.

تبصره ۱ - چنانچه ثابت شود کفیل یا وثیقه گذار به منظور عدم امکان ابلاغ واقعی اخطاریه نشانی حقیقی خود را به مرجع قبول کننده کفالت اعلام نکرده یا به این منظور از محل خارج شده، ابلاغ قانونی اخطاریه برای وصول وجه الکفاله کافی است.

تبصره ۲ - خواستن متهم از کفیل جز در موردی که حضور متهم برای تحقیقات یا محاکمه یا اجرای حکم ضرورت دارد ممنوع است.

تبصره ۳ - متهم و کفیل و وثیقه گذار می توانند در موارد زیر ظرف (۱۰) روز از تاریخ پرداخت وجه التزام یا وجه الکفاله یا دستور ضبط وثیقه به دادگاه تجدید نظر شکایت نمایند:

الف - در صورتی که بخواهند ثابت نمایند متهم در موعد مقرر حاضر شده یا او را حاضر نموده اند یا شخص ثالثی متهم را حاضر نموده است.

ب - هرگاه بخواهند ثابت نمایند به جهات یاد شده در ماده (۱۰۳) این قانون متهم نتوانسته حاضر شود و یا کفیل به یکی از آن جهات نتوانسته او را حاضر کند.

ج - هرگاه بخواهند ثابت نمایند متهم قبل از موعد فوت کرده است.

د - در صورتی که کفیل یا متهم بخواهند ثابت نمایند پس از صدور قرار قبول کفالت یا التزام معسر شده اند.

تبصره ۴ - دادگاه در تمام موارد نسبت به شکایت، خارج از نوبت و بدون تشریفات دادرسی



جمهوری اسلامی ایران

شیرین جمهوری

رسیدگی کرده، مادام که عملیات اجرایی را موقوف ننموده یا حکم به نفع کفیل یا وثیقه‌گذار یا متهم صادر نکرده عملیات یاد شده ادامه خواهد داشت و در صورت صدور حکم به نفع معترض، وجوه و اموال اخذ و ضبط شده، بازگردانده می شود.

تبصره ۵- اگر قرار منع پیگرد یا موقوفی تعقیب یا برائت متهم صادر شود یا پرونده به هر کیفیت مختومه شود قرارهای تامین صادر شده ملغی الاثر خواهد بود. قاضی مربوط مکلف است از قرار تامین وثیقه صادر شده رفع اثر نماید.

تبصره ۶- در مواردی که متهم حضور نیافته و به صورت غیابی محکوم شده، محکوم به یا ضرر و زیان مدعی خصوصی از تامین گرفته شده پرداخت خواهد شد و زاید بر آن به نفع دولت ضبط می شود. تبصره ۷- در صورتی که محکوم علیه علاوه بر حبس به جزای نقدی یا ضرر و زیان مدعی خصوصی محکوم شده باشد و مجموعه محکوم به کمتر از تامین گرفته شده باشد فقط تا میزان محکومیت وی از وثیقه تودیمی یا وجه الکفاله یا وجه الالتزام پرداخت خواهد شد و زاید بر آن بازگردانده می شود و در این صورت حکم اجرا شده تلقی می شود.

تبصره ۸- هرگاه متهم یا محکوم علیه تخلف نکرده و در مواعد مقرر حاضر شده باشد به محض شروع اجرای حکم جزایی و یا قطعی شدن قرار تعلیق اجرای مجازات قرار تامین ملغی الاثر می شود.

ماده ۱۳۰- قرار تامین باید به متهم ابلاغ شود. در صورتی که قرار صادر شده منتهی به زندانی شدن وی شود هنگام اعزام متهم به بازداشتگاه، نوع قرار در نامه اعزام درج می شود. چنانچه متهم به منظور جلوگیری از تبانی بازداشت شده باشد این جهت نیز در نامه قید می شود. تبصره - در صورتی که قرار صادر شده قابل اعتراض باشد صادر کننده قرار مکلف است قابل اعتراض بودن قرار را به متهم تفهیم و در پرونده قید نماید. عدم رعایت نکات یاد شده موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه (۴) به بالا خواهد بود.

بخش چهارم: احضار شهود تحقیق و مطلعان و تحقیق از ایشان

ماده ۱۳۱- قاضی، اشخاصی را که به تشخیص خود یا به معرفی شاکی یا اعلام مقامهای ذی ربط یا به تقاضای متهم برای روشن شدن موضوع لازم بداند برابر اصول مقرر احضار می نماید.

ماده ۱۳۲- شهود تحقیق و مطلعان به دستور قاضی توسط ضابطان یا ماموران ابلاغ و یا به گونه‌ای که قاضی مقتضی بداند احضار می شوند.

ماده ۱۳۳- در صورتی که یکی از شهود تحقیق یا مطلعان از تابعین نظامی یا انتظامی باشد باید حداقل (۲۴) ساعت پیش از تحقیق یا جلسه محاکمه از طریق فرمانده یا رئیس او دعوت شود. فرمانده و رئیس مربوط مکلف است شخص احضار شده را در موقع مقرر اعزام نماید.



جمهوری اسلامی ایران

شیرس جمهور

ماده ۱۳۴ - قاضی از هر یک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می نماید و اظهاراتشان را نوشته به امضا یا اثر انگشت آنان می رساند. تحقیق مجدد و مواجهه آنان در صورت ضرورت بلامانع است.

ماده ۱۳۵ - تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعان قبل از محاکمه غیر علنی است.

ماده ۱۳۶ - شهود تحقیق و مطلعان قبل از اظهار اطلاعات خود باید به شرح زیر سوگند یاد نمایند:

”خداوند متعال را در نظر گرفته، سوگند یاد می کنم که جز به راستی چیزی نگویم و تمام حقایق را بیان نمایم.“

قاضی قبل از شروع به تحقیق نام و نام خانوادگی و اسم پدر و شغل و محل اقامت و میزان سواد و درجه قرابت سببی یا نسبی و خادم یا مخدوم بودن شاهد یا مطلع را نسبت به طرفین پرونده و سابقه کیفری او سنوآل کرده و در صورت مجلس قید می نماید.

ماده ۱۳۷ - در مواردی که قاضی به شهادت شاهد به عنوان دلیل شرعی استناد می نماید لازم است شاهد دارای شرایط زیر باشد:

۱- بلوغ ۲- عقل ۳- ایمان ۴- طهارت مولد ۵- عدالت ۶- عدم وجود انتفاع شخصی برای شاهد یا رفع ضرر از وی ۷- عدم وجود دشمنی بین شاهد و طرفین دعوی ۸- عدم اشتغال به تکدی و ولگردی. ماده ۱۳۸ - در صورتی که شاهد یا مطلع واجد شرایط شهادت نباشند بدون یادکردن سوگند اظهارات ایشان برای اطلاع بیشتر استماع می شود.

ماده ۱۳۹ - پس از اینکه ابراز شهادت یا اظهار اطلاعات به اتمام رسید متن آن قرائت و به امضای شاهد یا مطلع می رسد. هرگاه شاهد یا مطلع فاقد امضا باشد انگشت می زند و اگر از امضا یا زدن انگشت امتناع ورزد یا قادر به امضا و زدن انگشت نباشد مراتب در برگ تحقیق قید می شود، در این صورت تمامی اوراق تحقیق باید به امضای قاضی و منشی برسد.

ماده ۱۴۰ - در اوراق بازجویی نوشتن بین سطور و تراشیدن کلمات به کلی ممنوع است. اگر یک یا چند کلمه اضافه نوشته شده باشد باید بر روی آن خطی نازک کشیده و این موضوع قید شود و قاضی و شخصی که از وی تحقیق می شود آن را امضا نمایند، همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود باید اشخاص یاد شده زیر آن را امضا نمایند و هرگاه این ترتیب رعایت نشود کلمات مزبور از درجه اعتبار ساقط است.

ماده ۱۴۱ - هر یک از شهود تحقیق و مطلعان باید در موعد مقرر حاضر شوند، در صورت عدم حضور برای بار دوم احضار می شوند، چنانچه بدون عذر موجه و با اختیار حاضر نشوند به دستور قاضی دادگاه جلب خواهند شد.

ماده ۱۴۲ - در صورتی که شاهد یا مطلعان برای حاضر شدن مدعی ضرر و خسارتی از حیث



مجلس شورای اسلامی ایران

رئیس جمهور

شغل و کار خود شوند و یا تقاضای هزینه ایاب و ذهاب نمایند تشخیص ورود ضرر و تعیین میزان آن با دادگاه احضار کننده می باشد که باید توسط کسی که تقاضای احضار را نموده در صندوق دادگستری تودیع شود.

هرگاه متقاضی احضار، توانایی پرداخت هزینه یاد شده را به تشخیص مرجع احضار کننده نداشته باشد و یا احضار به دستور مرجع رسیدگی کننده باشد از بیت المال پرداخت خواهد شد.

تبصره - دادگاه می تواند برای تعیین میزان ضرر و خسارت از نظر کارشناس استفاده نماید.

ماده ۱۴۳ - در صورتی که شخص شاهد یا مطلع بیمار باشد و نتواند حاضر شود قاضی خود به محل اقامت مریض رفته تحقیق می کند. اگر مطلعان خارج از حوزه مأموریت قاضی و در حوزه دادگاه دیگر ساکن باشند قاضی به رئیس یا دادرس دادگاه محل سکونت آنان تعلیمات لازم را می دهد تا اظهارات مطلعان را صورتجلسه نموده، اوراق تحقیق را برای دادگاه ارسال کند.

ماده ۱۴۴ - مفاد ماده قبل همچنین شامل مواردی که تعداد شهود و مطلعان زیاد بوده و در یک محل مقیم باشند خواهد بود، مانند تحقیق از شاگردان مدارس یا کارگران یک کارخانه.

ماده ۱۴۵ - در مواردی که دادگاه از قاضی حوزه دیگری درخواست تحقیق و تفحص نماید در صورت تعدد قاضی با ارجاع رئیس حوزه یا معاون وی، هر یک از آنان می توانند اقدام نموده، نتیجه تحقیقات خود را بدادگاه درخواست کننده ارسال کنند.

ماده ۱۴۶ - هرگاه برای کشف جرم و روشن شدن موضوع و نکات لازم در مورد شغل و خصوصیات اخلاقی متهم و سوابق زندگی او تحقیقات محلی ضرورت داشته باشد و همچنین در مواردی که متهم یا شاکی به اطلاعات اهل محل استناد نماید و یا قاضی، تحقیق از اهل محل را ضروری بداند اقدام به تحقیقات محلی می نماید.

ماده ۱۴۷ - هرگاه حضور متهم در محل تحقیقات ضروری باشد یا متهم تقاضای حضور در محل را داشته و در بازداشت باشد به دستور قاضی تحت الحفظ در محل حاضر خواهد شد.

ماده ۱۴۸ - قاضی بعد از ورود به محل برابر مقررات یاد شده در فصل مربوط به تحقیقات محلی در بخش آیین دادرسی مدنی اقدام خواهد کرد.

ماده ۱۴۹ - در مورد اشخاصی که تحقیقات از ایشان به عمل می آید رعایت مقررات ماده (۱۳۶) این قانون لازم است.

باب دوم - کیفیت محاکمه

فصل اول - اقدامات قاضی پس از ختم تحقیقات

ماده ۱۵۰ - در صورتی که تحقیقات توسط قاضی دادگاه انجام گرفته باشد چنانچه نتیجه تحقیقات اتهام را متوجه متهم یا متهمان بنماید و طرفین نیز حضور داشته باشند، دادگاه اقدام به



مجلس شورای اسلامی ایران

شیر منهور

رسیدگی می نماید. در غیر این صورت وقت رسیدگی و محاکمه تعیین و به طرفین ابلاغ می شود و چنانچه اتهامی متوجه متهم یا متهمان نباشد رای به برائت صادر و به طرفین دعوی ابلاغ خواهد شد، در مواردی که تحقیقات توسط قاضی تحقیق انجام گرفته نتیجه تحقیقات را همراه با اظهار نظر خود به اطلاع قاضی دادگاه رسانده، قاضی دادگاه اقدام مقتضی را حسب مورد انجام می دهد.

تبصره ۱- در مواردی که فصل خصومت یا اثبات دعوی با قسم شرعی محقق می شود هر یک از طرفین دعوی می توانند از حق قسم خود استفاده کنند.

تبصره ۲- فاصله بین ابلاغ احضاریه و موعد احضار حداقل سه روز است و هرگاه موضوع فوریت داشته باشد می توان متهم را زودتر احضار کرد.

ماده ۱۵۱- چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی به پرونده تشخیص دهد که به علت گذشت شاکی خصوصی در مواردی که قابل گذشت می باشد یا به جهت دیگری متهم قابل تعقیب نیست یا دادگاه صالح به رسیدگی نمی باشد یا ایراد رد دادرسی شده است حسب مورد رای به موقوفی تعقیب یا عدم صلاحیت یا رد یا قبول ایراد، صادر می نماید.

ماده ۱۵۲- در مواردی که قاضی به متهم دسترسی ندارد و یا به علت شناخته نشدن در محل اقامت احضار و جلبش مقدور نباشد وقت رسیدگی با ذکر نوع اتهام در یکی از روزنامه های کثیرالتشعار برای دو نوبت با فاصله بیست روز درج می شود. تاریخ آخرین آگهی تا روز محاکمه نباید کمتر از یک ماه باشد. در صورت عدم حضور متهم در وقت مقرر و یا عدم ارسال لایحه دفاعیه و یا عدم معرفی وکیل، دادگاه در حقوق الناس و حقوق عمومی به صورت غیابی اقدام به رسیدگی نموده و رای مقتضی صادر می نماید. رای صادر شده پس از ابلاغ ظرف ده روز قابل واخواهی در همان دادگاه می باشد. در حقوق الله رسیدگی غیابی جایز نیست، دادگاه تا دستیابی به متهم پرونده را مفتوح می گذارد.

ماده ۱۵۳- هرگاه متهم بدون عذر موجه حاضر نشود و وکیل هم نفرستد در صورتی که دادگاه حضور متهم را لازم بداند وی را جلب خواهد نمود و چنانچه حضور متهم در دادگاه لازم نباشد و موضوع جنبه حق اللهی نداشته باشد بدون حضور وی رسیدگی و حکم مقتضی صادر می نماید.

ماده ۱۵۴- هرگاه متهم از دادگاه بدوی یا تجدید نظر تقاضای تخفیف یا تبدیل تامین کند دادگاه به درخواست وی رسیدگی و قرار مقتضی صادر می نماید. قرار دادگاه در این مورد قطعی است. مطرح بودن پرونده در دیوانعالی کشور مانع از آن نخواهد بود که دادگاه نسبت به تقاضای تخفیف یا تبدیل تامین رسیدگی نماید.

ماده ۱۵۵- متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه آن واقع شده است و اگر شخصی مرتکب چند جرم در جاهای مختلف بشود در دادگاهی رسیدگی خواهد شد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده و چنانچه جرایم ارتكابی از یک درجه باشد دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شده به آن رسیدگی می نماید.



جمهوری اسلامی ایران

شیرس جمهور

تبصره - به اتهامهای متعدد متهم باید توأماً و یکجا رسیدگی شود لیکن اگر رسیدگی به تمام آنها موجب تعویق باشد دادگاه می تواند نسبت به اتهاماتی که مهیا برای صدور حکم است تصمیم بگیرد.

ماده ۱۵۶ - هر کس متهم به ارتکاب جرایم متعددی باشد که بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه عمومی و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد متهم ابتدا به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهمترین اتهام را دارد جلب می شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام خواهد شد. در صورتی که هر کدام از اتهامها از حیث کیفر مساوی باشد متهم حسب مورد به ترتیب در دادگاه انقلاب و نظامی و عمومی محاکمه می شود.

ماده ۱۵۷ - شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم اصلی را دارد.

ماده ۱۵۸ - هر گاه یکی از اتباع ایرانی در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرمی شده و در ایران دستگیر شود در دادگاهی محاکمه می شود که در حوزه آن دستگیر شده است.

ماده ۱۵۹ - حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاههای عمومی و انقلاب و نظامی که در یک حوزه قضایی مستقر هستند با دادگاه تجدید نظر مرکز استان است و چنانچه بین دادگاه دو حوزه قضایی اختلاف ایجاد شود مرجع حل اختلاف دیوانعالی کشور خواهد بود.

فصل دوم - وکالت در دادگاهها

ماده ۱۶۰ - در کلیه امور جزایی طرفین دعوی می توانند به تعداد مورد لزوم وکیل مدافع انتخاب و معرفی نمایند، وقت دادرسی به متهم و مدعی خصوصی و وکلای مدافع آنان ابلاغ خواهد شد. حضور احد از وکلا برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است.

ماده ۱۶۱ - متهم می تواند از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین نماید، هرگاه دادگاه حضور وکیل را لازم بداند و نیز احراز نماید که متهم امکان و توانایی انتخاب وکیل را ندارد از میان وکلای مجاز حوزه قضایی دادگاه و در صورت عدم امکان از نزدیکترین حوزه مجاور وکیلی برای متهم تعیین خواهد نمود و در غیر این صورت درخواست متهم را رد می کند. اقدامات وکیل مجانی است مگر آنکه درخواست حق الوکاله نماید که در این صورت دادگاه حق الوکاله را متناسب با کار تعیین خواهد کرد و در هر حال حق الوکاله تعیینی نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. حق الوکاله یاد شده از ردیف مربوط به بودجه دادگستری پرداخت خواهد شد.

تبصره - در جرایمی که مجازات آن به حسب قانون، قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد می باشد پذیرفتن تقاضای متهم الزامی است و دفتر دادگاه مکلف است این حق را به متهم ابلاغ نماید.



ماده ۱۶۲- تقاضای تغییر وکیل تسخیری از طرف متهم جز در موارد یاد شده در ماده (۲۰۸) قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته نیست.

فصل سوم - ترتیب رسیدگی و صدور حکم

ماده ۱۶۳- محاکمات دادگاه علنی است به استثنای موارد زیر:

- ۱- اعمال منافعی عفت و جرایمی که برخلاف اخلاق حسنه است.
 - ۲- امور خانوادگی یا دعاوی خصوصی به درخواست هر یک از طرفین.
 - ۳- چنانچه علنی بودن محاکمه مخل امنیت و یا احساسات مذهبی باشد.
 - ۴- چنانچه علنی بودن محاکمه موجب تنگ حیثیت و شرف متهم یا دیگری باشد.
- تبصره ۱- منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع جهت حضور افراد در دادگاه می باشد لکن انتشار آن در رسانه های گروهی پس از قطعی شدن حکم، مجاز خواهد بود و متخلف از این تبصره به مجازات مفتتری محکوم می شود.

تبصره ۲- اخلال نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص موجب غیر علنی شدن محاکمه نیست و باید به گونه مقتضی نظم برقرار شود، رییس دادگاه می تواند کسانی را که باعث اخلال نظم می شوند از یک تا (۵) روز توقیف نماید، دستور دادگاه قطعی است و فوری به اجرا گذارده خواهد شد. دادگاه پیش از شروع به رسیدگی مفاد این تبصره را به اشخاصی که در دادگاه حاضرند یادآور می شود. ماده ۱۶۴- حضور اشخاصی که کمتر از (۱۵) سال سن دارند در دادگاهی که به امور کیفری رسیدگی می کند به عنوان تماشاچی ممنوع می باشد.

ماده ۱۶۵- در مواردی که تحقیقات تکمیل و برای انجام محاکمه وقت تعیین شده باشد متهم یا وکیل او حق دارند پیش از شروع محاکمه به دفتر دادگاه مراجعه و از پرونده و اظهارات شاکی یا مدعی خصوصی نسبت به خود اطلاعات لازم را تحصیل کنند.

ماده ۱۶۶- هرگاه متهم یا مدعی خصوصی تقاضای تحقیق از اشخاصی که در دادگاه حضور دارند نمایند هر چند قبلاً احضار نشده باشند دادگاه مکلف به پذیرش آن در خواست است و تحقیقات لازم را از آنها به عمل خواهد آورد.

ماده ۱۶۷- در صورتی که متهم در بازداشت باشد به همراه ماموران مراقب در دادگاه حضور می یابد. دادرس دادگاه پس از تشکیل جلسه و اعلام رسمی بودن آن توسط رییس دادگاه، ابتدا هویت شاکی یا مدعی خصوصی را استعلام و شکایت و دعوی ضرر و زیان او را استماع می نماید، سپس هویت متهم را برابر ماده (۱۱۷) این قانون استعلام نموده و به متهم و حاضران اخطار می کند که در موقع محاکمه خلاف حقیقت و وجدان و قوانین و ادب و نزاکت سخن نگویند. پس از آن دادگاه موضوع اتهام و دادخواست مدعی و تمامی ادله شکایت و اتهام را به متهم تفهیم و شروع به رسیدگی خواهد

کرد.

ماده ۱۶۸- رسیدگی به ترتیب زیر انجام می‌گیرد:

۱- تحقیق از متهم، دایر بر اینکه آیا اتهام وارده را قبول دارد یا نه؟ پاسخ متهم عیناً در صورتجلسه قید می‌شود.

۲- استماع اظهارات شاکی و مدعی خصوصی و شهود و اهل خبره‌ای که مدعی خصوصی یا شاکی معرفی کرده است.

۳- استماع اظهارات متهم و شهود و اهل خبره‌ای که متهم یا وکیل او معرفی می‌کند.

۴- بررسی آلات و ادوات جرم و استماع اظهارات وکیل متهم.

۵- رسیدگی به دلایل جدیدی که بعداً از طرف متهم یا وکیل او به دادگاه تقدیم می‌شود.

دادگاه مکلف است خلاصه اظهارات طرفین دعوی و عین اظهارات یک طرف را که مورد استفاده طرف دیگر باشد و همچنین عین اظهارات شهود و اهل خبره را در صورت مجلس منعکس نماید. دادگاه پس از پایان مذاکرات به عنوان آخرین دفاع به متهم یا وکیل او اجازه صحبت داده و رسیدگی را ختم می‌کند.

تبصره ۱- هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرمی نماید و اقرار او صریح و موجب هیچگونه شک و شبهه‌ای نباشد و قراین و امارات نیز موید این معنی باشند، دادگاه مبادرت به صدور رای می‌نماید و در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در اقرار یا تعارض با ادله دیگر، دادگاه شروع به تحقیق از شهود و مطلعان و متهم نموده و به ادله دیگر نیز رسیدگی می‌نماید.

تبصره ۲- در مواردی که جرم با بیش از یک بار اقرار متهم در جلسات متعدد اثبات می‌شود دادگاه مکلف است جلسات رسیدگی را هر چند متوالی و بدون فاصله، تجدید نموده و در هر جلسه اقدام به استماع اقرار متهم نماید.

ماده ۱۶۹- در اموری که ممکن است با صلح طرفین قضیه خاتمه پیدا کند دادگاه کوشش لازم و جهد کافی در اصلاح ذات البین به عمل می‌آورد و چنانچه موفق به برقراری صلح نشود، رسیدگی و رای مقتضی صادر خواهد نمود.

ماده ۱۷۰- دادگاه مکلف است از گواهان به طور انفرادی تحقیق نماید و برای عدم ارتباط گواهان با یکدیگر و یا با متهم اقدامهای لازم معمول دارد و بعد از تحقیق انفرادی دادگاه می‌تواند بر حسب درخواست متهم یا مدعی خصوصی با نظر خود مجدداً به صورت انفرادی یا جمعی از گواهان تحقیق نماید. پیش از شروع به تحقیق، نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، درجه قرابت و سمت خادم و مخدومی یا مدعی خصوصی یا متهم و غیره استعلام و مفاد ماده (۱۳۷) این قانون را نیز رعایت می‌نماید.

ماده ۱۷۱- دادگاه پرسش‌هایی را که برای رفع اختلاف و ابهام و روشن شدن موضوع لازم است،



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

از طرفین و شهود و مطلعان خواهد نمود. در صورتی که متهم جواب پرسش‌ها را ندهد دادگاه بدون اینکه متهم را به دادن جواب مجبور کند رسیدگی را ادامه می‌دهد.

ماده ۱۷۲- وقتی که دادگاه شهادت شاهد یک طرف دعوی را استماع نمود به طرف دیگر اعلام می‌دارد که چنانچه پرسشهایی از شاهد دارد می‌تواند مطرح نماید.

ماده ۱۷۳- قطع کردن کلام گواهان در اثنای تحقیق ممنوع است. هر یک از اصحاب دعوی که سئوالی داشته باشد توسط دادگاه به عمل می‌آورد.

ماده ۱۷۴- گواهان نباید بعد از ادای شهادت تا زمانی که دادگاه تعیین می‌نماید متفرق شوند.

ماده ۱۷۵- در مواردی که دادگاه از شهود و مطلعان درخواست ادای شهادت و یا اطلاع نماید و بعد معلوم شود که خلاف واقع شهادت داده‌اند اعم از اینکه به نفع یا ضرر یکی از طرفین دعوی باشد علاوه بر مجازات شهادت دروغ چنانچه شهادت خلاف واقع آنان موجب وارد آمدن خسارتی شده باشد به تادیبه آن نیز محکوم خواهند شد.

ماده ۱۷۶- در صورتی که شاکی و مدعی خصوصی یا متهم یا شهود فارسی ندانند، دادگاه دو نفر را برای ترجمه تعیین می‌کند، مترجم باید متعهد شود و قسم یاد کند که همه اظهارات را به طور صحیح و بدون تغییر ترجمه نماید.

ماده ۱۷۷- متهم و مدعی خصوصی می‌توانند مترجم را رد نمایند، ولی رد مترجم باید مدلل باشد، ردّ یا قبول مترجم به نظر دادگاه است و نظر دادگاه قطعی می‌باشد. موارد رد مترجم همان جهات عدم پذیرش شاهد است.

ماده ۱۷۸- در صورتی که مدعی خصوصی یا متهم یا مطلعان کر یا لال باشند دادگاه اقدام لازم برای تحقیق از آنها به وسیله اشخاص خبره معمول خواهد داشت.

ماده ۱۷۹- چنانچه یکی از طرفین دعوی نسبت به صحت تحقیقات ضابطان اشکال موجهی نماید، دادگاه تحقیقات لازم را راساً و یا توسط قاضی تحقیق یا به نحو مقتضی دیگری انجام خواهد داد.

ماده ۱۸۰- در مواردی که متهم آزاد بوده و سعی در عدم حضور در جلسه دادرسی می‌نماید یا به لحاظ اهمیت اتهام انتسابی در اختیار دادگاه بودن وی لازم باشد، دادگاه می‌تواند قرار بازداشت متهم را تا پایان محاکمه که حداکثر نباید بیش از یک ماه به طول انجامد صادر نماید. این قرار قطعی و غیر قابل اعتراض می‌باشد.

ماده ۱۸۱- چنانچه دادگاه در حین رسیدگی، جرم دیگری را کشف نماید موضوع را به صورت کتبی به رئیس منطقه قضایی اعلام و پس از ارجاع در حدود صلاحیت خود رسیدگی خواهد نمود.

ماده ۱۸۲- در دعوی ضرر و زیان دادگاه علاوه بر رسیدگی به دلایل مورد استفاده طرفین هر گونه تحقیق یا اقدامی را که برای کشف حقیقت لازم باشد انجام خواهد داد. در مواردی که برای دادگاه



محرز باشد که استناد یا در خواست یکی از طرفین دعوی موثر در اثبات ادعا نیست، پس از استدلال می‌تواند از ترتیب اثر دادن به آن خودداری کند.

ماده ۱۸۳ - در صورتی که پرونده‌ای دارای متهم اصلی و معاون و شریک بوده و همگی در دادگاه حضور داشته باشند تحقیقات از متهم اصلی شروع می‌شود.

ماده ۱۸۴ - چنانچه در پرونده‌ای متهمان متعدد بوده و یا معاون و شریک داشته باشند در صورتی که به یک یا چند نفر از آنان دسترسی نباشد دادگاه نسبت به متهمان حاضر، پرونده را تفکیک و رسیدگی و تعیین تکلیف خواهد کرد و نسبت به غایبان در مواردی که رسیدگی غیابی امکان داشته باشد، رسیدگی غیابی به عمل خواهد آورد و در غیر این صورت پرونده را مفتوح نگه می‌دارد.

ماده ۱۸۵ - قاضی دادگاه پیش از اتمام رسیدگی و اعلام رای، در خصوص برائت یا مجرمیت متهم نباید به صورت علنی اظهار عقیده نماید.

ماده ۱۸۶ - در مواردی که صدور حکم نیاز به تحقیقات اولیه دارد، پس از انجام تحقیقات محاکمه شروع و تا صدور حکم متوقف نخواهد شد و چنانچه محاکمه طولانی باشد به قدر لزوم تنفس داده خواهد شد.

ماده ۱۸۷ - دادگاه پس از ختم رسیدگی با استعانت از خداوند متعال و وجدان و با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود در همان جلسه یا حداکثر ظرف مدت یک هفته مبادرت به صدور رای می‌نماید.

در صورتی که رای مبنی بر برائت یا تعلیق مجازات متهم صادر شود و متهم بازداشت باشد، فوراً آزاد می‌شود مگر آنکه از جهات دیگری بازداشت باشد.

تبصره - پس از انشای رای، دادنامه باید ظرف سه روز پاکت‌نویس و نکات زیر در آن تصریح و سپس برای ابلاغ به زندان و یا به نشانی او ارسال شود:

الف - شماره دادنامه با ذکر تاریخ.

ب - مشخصات دادگاه رسیدگی کننده و قاضی آن.

ج - مشخصات طرفین دعوی.

د - دلایل و مدارک حکم.

ه - ماهیت حکم و مواد قانونی که حکم مستند به آن می‌باشد.

ماده ۱۸۸ - احکام دادگاه باید مستدل و موجه بوده و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است. دادگاه مکلف است حکم هر قضیه را در قوانین مدون بیابد و اگر قانونی در خصوص مورد نباشد با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نماید و دادگاهها نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدون از رسیدگی به شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند.



ماده ۱۸۹ - دادنامه باید به امضای صادرکننده رای برسد. کارمندان اداری نمی‌توانند پیش از امضای دادنامه رونوشت آن را به کسی تسلیم نمایند، در صورت تسلیم نمودن به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت دولتی محکوم خواهند شد.

ماده ۱۹۰ - حکم دادگاه در صورت مجلس و یا در دفتر مخصوص ثبت و در صورت تقاضای یکی از طرفین دعوی دفتر دادگاه مکلف است رونوشتی از آن را به متقاضی تسلیم نماید.

فصل چهارم - احکام غیابی

ماده ۱۹۱ - در تمامی جرایم به جز جرایم و اموری که جنبه حق‌اللهی دارند هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشند دادگاه حکم غیابی صادر می‌نماید، این حکم پس از ابلاغ ظرف ده روز قابل وخواهی در دادگاه صادرکننده حکم می‌باشد و پس از انقضای مهلت وخواهی برابر قانون تجدیدنظر احکام دادگاهها قابل تجدیدنظر است.

تبصره - احکام غیابی که ظرف مهلت مقرر از آن وخواهی نشده باشد، به اجرا گذارده خواهد شد. هرگاه حکم صادر شده ابلاغ قانونی شده باشد محکوم علیه می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ شروع اجرا از دادگاه صادرکننده حکم تقاضای وخواهی نماید. در این صورت دادگاه اجرای حکم را به صورت موقت متوقف و در صورت اقتضا نسبت به اخذ تامین یا تجدیدنظر در تامین قبلی اقدام می‌نماید.

ماده ۱۹۲ - دادگاه پس از رسیدن تقاضای وخواهی بلافاصله وارد رسیدگی می‌شود و دلایل و مدافعات محکوم علیه را بررسی، چنانچه موثر در حکم نباشد حکم غیابی را تایید می‌نماید و در صورتی که موثر در حکم تشخیص دهد و یا بررسی مدارک و مدافعات مستلزم تحقیق بیشتر باشد با تعیین وقت رسیدگی طرفین را دعوت می‌نماید. در این صورت عدم حضور شاکی یا مدعی خصوصی مانع ادامه رسیدگی نخواهد بود.

فصل پنجم - ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال

ماده ۱۹۳ - در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاههای عمومی برای رسیدگی به جرایم اطفال اختصاص داده می‌شود.

تبصره ۱ - منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

تبصره ۲ - در حوزه‌هایی که چنین دادگاهی تشکیل نشده باشد دادگاه عمومی برابر مقررات این

فصل به جرایم اطفال نیز رسیدگی خواهد کرد.

ماده ۱۹۴ - در هنگام رسیدگی به جرایم اطفال، دادگاه مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی

طفل اعلام نماید در دادگاه شخصاً حضور یابند یا برای او وکیل تعیین کنند. چنانچه ولی یا سرپرست



قانونی اقدام به تعیین وکیل نمایند و خود نیز حضور نیابند در صورت تشخیص ضرورت، دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد.

ماده ۱۹۵ - در جرایم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق توسط دادرس و یا قاضی تحقیق انجام می‌گیرد. دادگاه کلیه وظایفی را که برابر قانون بر عهده ضابطان می‌باشد رأساً به عمل خواهد آورد.

ماده ۱۹۶ - چنانچه درباره وضعیت روحی و روانی طفل یا ولی یا سرپرست قانونی او یا خانوادگی و محیط معاشرت طفل تحقیقاتی لازم باشد دادگاه می‌تواند به هر وسیله‌ای که مقتضی بداند آنرا انجام دهد و یا نظر اشخاص خیره را جلب نماید.

ماده ۱۹۷ - احضار طفل برای انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در هر مورد از طریق ولی یا سرپرست او به عمل می‌آید، در صورت عدم حضور برابر مقررات این قانون جلب خواهند شد. این امر مانع از احضار و جلب طفل توسط دادگاه نمی‌باشد.

ماده ۱۹۸ - برای امکان دسترسی به طفل و حضور وی در موارد لزوم و نیز به منظور جلوگیری از فرار یا پنهان نمودن یا بیم تبانی، یکی از قرارهای تامین به شرح زیر توسط دادگاه صادر می‌شود:

الف - التزام ولی یا سرپرست قانونی طفل به حاضر نمودن وی در موارد لزوم با تعیین وجه التزام.

ب - اخذ کفیل از ولی یا سرپرست قانونی طفل.

ج - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی یا مال منقول یا غیر منقول از ولی یا سرپرست قانونی طفل.

د - در جرایم مهم و مواردی که دادگاه تشخیص دهد طفل متهم در کانون اصلاح و تربیت به صورت موقت نگهداری می‌شود.

ماده ۱۹۹ - دادگاه رسیدگی کننده به جرایم اطفال علنی نخواهد بود، در دادگاه فقط اولیا، و سرپرست قانونی طفل و وکیل مدافع و شهود و مطلعمان و نماینده کانون اصلاح و تربیت که دادگاه حضور آنان را لازم بداند حاضر خواهند شد. انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه‌های گروهی و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات طفل متهم ممنوع و متخلف به جزای نقدی از هفتاد هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۰۰ - در صورتی که مصحلت طفل اقتضاً نماید رسیدگی در تمام مدت دادرسی و یا در قسمتی از آن در غیاب متهم انجام خواهد گرفت و در هر حال رای دادگاه حضوری محسوب می‌شود.

ماده ۲۰۱ - دادگاه به دادخواست مدعی خصوصی برابر مقررات رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می‌نماید، حضور طفل در دادگاه ضروری نیست.

ماده ۲۰۲ - در صورتی که یک یا چند طفل با مشارکت یا معاونت اشخاص دیگر مرتکب جرم



شده باشند به جرایم اطفال در دادگاه رسیدگی کننده به جرایم اطفال رسیدگی خواهد شد.
ماده ۲۰۳ - دادگاه رسیدگی کننده به جرایم اطفال حسب گزارشهایی که از وضع اطفال و تعلیم و تربیت آنان از کانون اصلاح و تربیت دریافت می کند می تواند در تصمیمهای قبلی خود یک بار تجدید نظر نماید، به این طریق که مدت نگهداری را به یک چهارم تخفیف دهد.
ماده ۲۰۴ - آرا و تصمیمات دادگاه رسیدگی کننده به جرایم اطفال برابر مقررات مربوط قابل تجدید نظر می باشد.

باب سوم - تجدید نظر احکام

فصل اول - کیفیت رسیدگی در دادگاههای تجدید نظر مرکز استان

ماده ۲۰۵ - در مواردی که متقاضی تجدیدنظر برابر قانون، درخواست تجدیدنظر نموده و در مهلت مقرر تقدیم داشته باشد پس از ارسال پرونده به دادگاه تجدیدنظر توسط رییس شعبه اول به یکی از شعب تجدید نظر ارجاع می شود، دادگاه مرجوع الیه ابتدا رسیدگی نموده چنانچه رای صادره را برابر ضوابط شرعی و قانونی یافت، تایید خواهد کرد و چنانچه آن را مخالف بین با شرع یا قانون تشخیص داد رای صادر شده را نقض و تصمیم مقتضی اتخاذ می نماید. در رسیدگی ماهوی هرگاه نیاز به دعوت از طرفین و یا شهود و یا مطلعان باشد با تعیین وقت رسیدگی، احضار به برای دعوت شوندگان ارسال و در موعد مقرر شروع به رسیدگی خواهد نمود.

ماده ۲۰۶ - هرگاه درخواست یا دادخواست تجدیدنظر فاقد یکی از شرایط مندرج در مقررات تجدید نظر باشد، مدیر دفتر به در خواست کننده و یا تقدیم کننده دادخواست اخطار رفع نقص می نماید تا ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ، رفع نقص به عمل آید. در صورتی که در مهلت مقرر رفع نقص به عمل نیآورد یا دادخواست یا درخواست تجدیدنظر خود را خارج از مهلت مقرر قانونی به دفتر دادگاه یا به دفتر بازداشتگاه تسلیم نماید دفتر موظف است آن را به نظر دادگاه برساند، دادگاه تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود.

ماده ۲۰۷ - چنانچه متقاضی درخواست تجدیدنظر از احکام کیفری زندانی باشد در صورتی که مدعی اعسار از هزینه دادرسی شود درخواست تجدید نظر وی به نظر دادگاه صادر کننده حکم می رسد تا ابتدا نسبت به ادعای اعسار وی رسیدگی و در صورت قبول اعسار، پرونده را به مرجع تجدیدنظر ارسال کند. در غیر این صورت برابر ماده (۲۰۶) اقدام می نماید.

ماده ۲۰۸ - در صورتی که در مهلت مقرر دادخواست یا درخواست تجدیدنظر به دادگاه صادرکننده حکم تقدیم نشده باشد درخواست کننده با ذکر دلیل و بیان عذر، تقاضای تجدیدنظر خود را به دادگاه صادرکننده رای تقدیم می دارد دادگاه یاد شده ابتدا به عذر عنوان شده که موجب عدم درخواست تجدیدنظر در مهلت مقرر بوده رسیدگی و در صورت احراز آن نسبت به پذیرش



جمهوری اسلامی ایران

شیرس جمهور

درخواست یا دادخواست تجدید نظر اقدام خواهد کرد.

تبصره ۱- جهات زیر عذر موجه محسوب می شوند:

۱- مرضی که مانع از حرکت است.

۲- در توقیف یا در سفر بودن.

۳- عدم امکان مرآوده به علت حوادث و بلیه های آسمانی.

تبصره ۲- هرگاه محکوم علیه مدعی عدم اطلاع از مفاد حکم شود و در نتیجه نتوانسته در مهلت مقرر درخواست تجدیدنظر خود را تقدیم دارد، ظرف یک هفته از تاریخ اطلاع، ادعای خود را در دادگاه صادرکننده حکم مطرح می کند، در صورت اثبات، عذر موجه محسوب می شود.

فصل دوم - دیوان عالی کشور و هیات عمومی

ماده ۲۰۹- دیوان عالی کشور تنها در تهران تشکیل می شود و تعداد شعب آن بر حسب نیاز به تصویب رییس قوه قضاییه می رسد.

ماده ۲۱۰- ریاست دیوان عالی کشور بر عهده رییس شعبه اول می باشد و می تواند به تعداد مورد نیاز معاون داشته باشد. پرونده ها توسط وی یا معاون اول به شعب ارجاع می شود. اداره جلسات هیات عمومی نیز به عهده رییس یا معاون اول خواهد بود.

ماده ۲۱۱- هر یک از شعب دیوان عالی کشور از دو عضو ثابت، یکی به عنوان رییس و دیگری به عنوان مستشار تشکیل می شود.

تبصره- دیوان عالی کشور می تواند به تعداد شعب، عضو معاون داشته باشد و عضو معاون وظایف هر یک از دو عضو شعبه را عهده دار می شود.

ماده ۲۱۲- رییس، مستشار و عضو معاون باید یا مجتهد باشند و یا (۱۰) سال درس خارج را طی نموده باشند و یا دارای (۱۵) سال سابقه کار قضایی بوده و آشنایی کامل به قوانین مدون اسلامی داشته باشند.

تبصره ۱- احراز درجه اجتهاد و همچنین طی کردن (۱۰) سال درس خارج بنا بر گواهی شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم خواهد بود.

تبصره ۲- کسانی که دارای درجه اجتهاد هستند باید حداقل دارای سه سال و کسانی که دارای (۱۰) سال تحصیل در درس خارج بوده، دارای (۷) سال سابقه کار قضایی بوده باشند.

ماده ۲۱۳- پس از ارجاع پرونده به شعبه دیوان عالی کشور با حفظ نوبت و ترتیب ارجاع، اعضای آن شعبه موظفند پرونده را با دقت مطالعه و بررسی نموده پس از مشاوره به طور مستقل اظهار نظر کنند.

تبصره ۱- تقسیم کار و ارجاع پرونده در داخل شعبه به عهده رییس همان شعبه می باشد.



جمهوری اسلامی ایران

شعبه دیوان عالی کشور

- تبصره ۲- رعایت نوبت در رسیدگی به پرونده‌ها ضروری است مگر در مواردی که به تشخیص رییس دیوان عالی کشور و یا رییس شعبه، لازم است خارج از نوبت رسیدگی به عمل آید.
- ماده ۲۱۴- در صورت اختلاف نظر بین دو عضو شعبه، عضو معاون و یا یکی از قضات شعب دیگر با معرفی رییس دیوان عالی کشور به آنان ضمیمه و نظر اکثریت ملاک خواهد بود.
- ماده ۲۱۵- رسیدگی در دیوان عالی کشور شکلی می‌باشد و اطراف دعوی یا وکلای ایشان برای رسیدگی احضار نمی‌شوند مگر آنکه شعبه دیوان عالی کشور حضور ایشان را برای ادای توضیح لازم بداند که در این صورت کسانی که حضورشان لازم است دعوت می‌شوند و پس از استماع توضیحات آنان، مبادرت به اظهار نظر کنند. عدم حضور احضار شونده‌گان تصمیم شعبه را به تاخیر نمی‌اندازد.
- ماده ۲۱۶- پس از ارجاع پرونده توسط رییس شعبه اول، جز در مواردی که قانون تجویز نموده پرونده را نمی‌توان از شعبه‌ای که پرونده بدان ارجاع شده، اخذ و به شعبه دیگر ارجاع نمود.
- تبصره- رعایت مفاد این ماده در مورد رسیدگی در دادگاهها نیز لازم می‌باشد.
- ماده ۲۱۷- دادستان کل کشور در مواردی که برابر قانون نسبت به آرای صادر شده تقاضای تجدید نظر می‌نماید پس از ارجاع پرونده به شعب دیوان عالی کشور، می‌تواند از طریق دادیاران دیوان عالی کشور به عنوان نماینده خود در شعب حضور یافته و نظر خود را ابراز نماید.
- ماده ۲۱۸- هرگاه در شعب دیوان عالی کشور و یا هر یک از دادگاهها نسبت به موارد مشابه اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی با استنباط از قوانین آرای مختلفی صادر شود رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور به هر طریقی که آگاه شوند، مکلفند نظر هیات عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. همچنین هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاهها نیز می‌توانند با ذکر دلایل از طریق رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور نظر هیات عمومی را در خصوص موضوع کسب کنند.
- ماده ۲۱۹- هیات عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رییس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل $\frac{3}{4}$ روسا و مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب تشکیل می‌شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم نماید. رای اکثریت ملاک عمل خواهد بود.
- ماده ۲۲۰- آرای هیات عمومی دیوان عالی کشور نسبت به احکام قطعی شده بی اثر ولی در موارد مشابه تبعیت از آن برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم می‌باشد.
- ماده ۲۲۱- آرای هیات عمومی دیوان عالی کشور قابل تجدید نظر نبوده و فقط به موجب قانون بی اثر می‌شوند.



جمهوری اسلامی ایران

شیرس جمهور

باب چهارم - اعاده دادرسی

ماده ۲۲۲ - موارد اعاده دادرسی از احکام قطعی دادگاهها اعم از اینکه حکم صادره به مرحله اجرا گذاشته شده یا نشده باشد به قرار زیر است:

۱ - در صورتی که کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شده لیکن زنده بودن شخص در آن زمان محرز شود و یا ثابت شود که در حال حیات است.

۲ - در صورتی که چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب جرم به گونه‌ای است که نمی‌تواند بیش از یک مرتکب داشته باشد.

۳ - در صورتی که شخصی به علت انتساب ارتکاب جرمی محکومیت یافته باشد و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضایی دیگر به علت انتساب ارتکاب همان جرم محکوم شده باشد به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم صادره بی‌گناهی یکی از آن دو نفر محکوم احراز شود.

۴ - کشف و ثبوت جعلی بودن اسناد یا خلاف واقع بودن شهادت گواهان که مبنای حکم صادر شده بوده است.

۵ - در صورتی که پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر شود یا دلایل جدیدی ارایه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم علیه باشد یا معلوم شود مجازاتی که برای او تعیین شده به علت اشتباه قاضی متناسب با جرم او نمی‌باشد.

۶ - در صورتی که قانون لاحق مبتنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانون سابق باشد که در این صورت پس از اعاده دادرسی مجازات دومی نباید از مجازات اولی شدیدتر باشد.

تبصره - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت بعد از صدور حکم قطعی موجب اعاده دادرسی نخواهد بود.

ماده ۲۲۳ - اشخاص زیر حق درخواست اعاده دادرسی دارند:

۱ - محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او و در صورت فوت یا غیبت محکوم علیه، همسر و وراث قانونی و وصی او.

۲ - دادستان کل کشور.

۳ - رئیس حوزه قضایی یا موافقت دادستان کل کشور.

ماده ۲۲۴ - تقاضای اعاده دادرسی به دیوانعالی کشور تسلیم می‌شود، مرجع یاد شده پس از احراز انطباق با یکی از موارد مندرج در ماده (۲۲۲) رسیدگی مجدد را به دادگاه صالح ارجاع می‌نماید.

ماده ۲۲۵ - رای دیوانعالی کشور در خصوص پذیرش اعاده دادرسی، اجرای حکم را در صورت عدم اجرا تا اعاده دادرسی و صدور حکم مجدد به تعویق خواهد انداخت لیکن به منظور جلوگیری از فرار یا مخفی شدن محکوم علیه تامین لازم اخذ می‌شود.

تبصره - مرجع صدور قرار تامین، دادگاهی است که پس از تجویز اعاده دادرسی به موضوع



رسیدگی می نماید.

ماده ۲۲۶- پس از شروع به محاکمه ثانوی هر گاه دلیلی که محکوم علیه اقامه می نماید قوی باشد آثار حکم، فوری متوقف و تخفیف لازم نسبت به حال محکوم علیه مجری می شود ولی تخفیف یاد شده نباید باعث فرار محکوم علیه از محاکمه یا مخفی شدن او بشود.

ماده ۲۲۷- هر گاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت بعد از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر نماید محکوم علیه می تواند با استناد به استرداد شکایت از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، درخواست کند که در میزان مجازات تجدیدنظر نماید، در این مورد دادگاه درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده رسیدگی نموده و مجازات را در صورت اقتضا در حدود قانون تخفیف خواهد داد. این رای قطعی است.

باب پنجم - اجرای احکام

فصل اول - احکامی که به مرحله اجر در می آید

ماده ۲۲۸- احکام کیفری در موارد زیر لازم الاجرا می باشد:

الف - در صورتی که حکم صادره به علت عدم اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر در موعد قانونی قطعی شده باشد.

ب - در صورتی که اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر رد شده باشد.

ج - در صورتی که حکم صادر شده به موجب تصمیم مرجع تجدیدنظر قطعی شده باشد.

ماده ۲۲۹- هر گاه حکم صادر شده راجع به چند نفر بوده و در موعد مقرر بعضی از ایشان به حکم یاد شده اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر کرده باشند حکم یاد شده پس از انقضای موعد مقرر نسبت به اشخاصی که اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر نکرده اند لازم الاجرا خواهد بود.

ماده ۲۳۰- اعتراض یا درخواست تجدیدنظر نسبت به یک قسمت از حکم مانع اجرای آن نسبت به سایر موارد نمی باشد.

فصل دوم - اشخاصی که احکام را اجرا می کنند

ماده ۲۳۱- اجرای حکم در هر حال با دادگاه صادرکننده رای یا قایم مقام آن به شرح مواد آتی می باشد.

ماده ۲۳۲- در مواردی که اجرای حکم می بایست توسط ماموران یا سازمان های دولتی به عمل آید دادگاه صادرکننده حکم ضمن ارسال رونوشت حکم و صدور دستور اجرا و آموزش لازم، نظارت کامل بر چگونگی اجرای حکم و اقدامهای آنها به عمل می آورد.



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

ماده ۲۳۳- عملیات اجرای حکم پس از صدور دستور دادگاه شروع و به هیچ وجه متوقف نمی شود مگر در مواردی که دادگاه صادرکننده حکم در حدود مقررات دستور توقف اجرای حکم را صادر نماید.

ماده ۲۳۴- کلیه ضابطان دادگستری و نیروهای انتظامی و نظامی و روسای سازمان های دولتی و وابسته به دولت در حدود وظایف خود مکلفند دستورهای مراجع قضایی را در مقام اجرای احکام رعایت کنند. تخلف از مقررات این ماده علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی مستوجب تعقیب کیفری برابر قانون مربوط می باشد.

ماده ۲۳۵- رفع اختلافات راجع به مفاد حکم و یا اجرای آن که از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم به ایجاد شود حسب مورد با دادگاهی است که حکم را صادر نموده و یا مجری حکم می باشد.

ماده ۲۳۶- اجرای احکام راجع به هزینه دادرسی، تادیه خسارات و ضرر و زیان مدعیان خصوصی برابر مقررات مندرج در فصل اجرای احکام مدنی توسط دادگاه صادرکننده حکم به عمل می آید.

ماده ۲۳۷- هرگاه حکم برائت متهم صادر شود، حکم بلافاصله توسط دادگاه اجرا می شود و چنانچه به اتهام دیگری تحت تعقیب نباشد فوری از وی رفع بازداشت خواهد شد.

ماده ۲۳۸- مجازات شلاق تعزیری در موارد زیر تا رفع مانع اجرا نمی شود:

الف - محکوم علیه در ایام بارداری یا نفاس یا استحاضه باشد.

ب - زنان شیرده در ایامی که طفل ایشان شیرخوار است حداکثر به مدت دو سال.

ج - بیمارانی که به تشخیص پزشک قانونی یا پزشک معتمد دادگاه، اجرای حکم موجب تشدید بیماری یا تاخیر در بهبودی ایشان شود. در این مورد چنانچه امیدی به بهبودی بیمار نباشد یا دادگاه مصلحت بداند یک دسته تازیانه یا ترکه مشتمل بر تعداد شلاق که مورد حکم قرار گرفته است تهیه و یکبار به محکوم علیه نواخته می شود.

د - در مواردی که تبدیل مجازاتی به مجازات دیگر برابر قانون لازم باشد مجازات اولی تا اتخاذ تصمیم از طرف دادگاه اجرا نخواهد شد.

ماده ۲۳۹- جنون بعد از صدور حکم و فرار محکوم علیه در حین اجرای حکم موجب سقوط مجازات تعزیری نمی باشد.

ماده ۲۴۰- محل و چگونگی اجرای حکم شلاق به تشخیص دادگاه صادرکننده حکم می باشد.

ماده ۲۴۱- بیماری محکوم علیه موجب توقف اجرای مجازات حبس نمی شود مگر اینکه به تشخیص دادگاه اجرای حکم موجب شدت بیماری و تاخیر در بهبودی محکوم علیه باشد که در این صورت دادگاه با تشخیص پزشک قانونی یا پزشک معتمد و اخذ تأمین متناسب اجازه معالجه در خارج از زندان را صادر می نماید و اگر محکوم علیه تأمین ندهد به تشخیص پزشک و دستور دادگاه در زندان



یا بیمارستان تحت نظر نیروی انتظامی معالجه می شود.

تبصره - در صورت جنون، محکوم علیه تا بهبودی در بیمارستان روانی نگهداری می شود. ایام توقف در بیمارستان جزو محکومیت وی محاسبه می شود.

ماده ۲۴۲- مهلت پرداخت دیه به ترتیبی است که در قانون مجازات اسلامی - بخش دیات - پیش بینی شده است و در صورتی که محکوم علیه نتواند در مدت مقرر پردازد و از دادگاه استمهال و درخواست تقسیط نماید دادگاه به درخواست او رسیدگی و با تعیین مهلت مناسب برای پرداخت تقسیطی حکم مقتضی صادر می نماید.

تبصره ۱- چنانچه محکوم علیه مدعی اعسار شود به درخواست محکوم له تا احراز اعسار، محکوم علیه بازداشت می شود و دادگاه مکلف است خارج از نوبت نسبت به ادعای اعسار او رسیدگی نماید.

تبصره ۲- حکم اعسار دایمی نیست، هرگاه از معسر رفع اعسار شود باید نسبت به پرداخت دیه اقدام نماید.

ماده ۲۴۳- قبل از اجرای حکم اعدام یا قصاص نفس یا رجم مراسم مذهبی توسط اشخاصی که صلاحیت دارند نسبت به محکوم علیه انجام می گیرد و هنگام اجرای حکم اعدام باید رییس دادگاه صادرکننده حکم یا نماینده او، رییس نیروی انتظامی محل یا نماینده وی، رییس زندان، پزشک قانونی یا پزشک معتمد محل و منشی دادگاه حاضر باشند. وکیل محکوم علیه نیز می تواند حضور یابد. پس از حاضر کردن متهم در محل، رییس دادگاه یا نماینده او دستور اجرای حکم را صادر و منشی دادگاه حکم را با صدای رسا قرائت می نماید، سپس مباشر اجرا حکم را برابر مقررات مربوط به اجرا درآورده و صورت مجلس تنظیمی به امضای حاضران می رسد.

تبصره - آیین نامه اجرایی این ماده و همچنین چگونگی اجرای حکم شلاق توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید.

ماده ۲۴۴- اشخاصی که محکوم به حبس هستند، با تصویری از حکم دادگاه برای تحمل کیفر به زندان معرفی می شوند.

ماده ۲۴۵- مدت تمامی کیفرهای حبس از روزی شروع می شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا حبس شود.

تبصره - چنانچه محکوم علیه پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد دادگاه پس از تعیین تعزیر، از مقدار حبس تعزیری تعیین شده یا مجازات بازدارنده به میزان بازداشت قبلی وی کسر خواهد نمود.

ماده ۲۴۶- کودک شیرخوار را از مادری که محکوم به حبس یا تبعید شده نباید جدا کرد مگر اینکه مادر با رضایت خود او را به پدر یا نزدیکان دیگرش بسپارد.



جمهوری اسلامی ایران

شش‌مهر

ماده ۲۴۷- اشخاصی که به تبعید و تحت نظارت بودن نیروی انتظامی محلی محکوم شده‌اند، به محل اعزام و مراتب به دادگاه و نیروی انتظامی محل ابلاغ می‌شود.

تبصره - آیین‌نامه اجرایی این ماده توسط وزارتخانه‌های دادگستری و کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

ماده ۲۴۸- اجرای احکام ضرر و زیان مدعی خصوصی که در ضمن حکم جزایی صادر شده است به طریقی است که برای اجرای احکام مدنی مقرر است.

ماده ۲۴۹- حکم برائت متهم در صورت درخواست او و با هزینه خودش در مطبوعات رسمی اعلان می‌شود.

ماده ۲۵۰- در اجرای حکم به جزای نقدی، میزان محکوم به باید به حساب خزانه دولت واریز و برگ رسید آن پیوست پرونده شود.

ماده ۲۵۱- هر کس به جزای نقدی به عنوان تعزیر محکوم شود و از پرداخت آن امتناع نماید به دستور دادگاه به ازای هر ده هزار ریال یک روز بازداشت می‌شود، در صورتی که محکومیت یاد شده توأم با مجازات حبس باشد بازداشت از تاریخ اتمام مجازات حبس شروع می‌شود و از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نخواهد شد و در هر حال حداکثر مدت بازداشت نسبت به مجموع جزای نقدی از پنج سال تجاوز نمی‌کند.

باب ششم - هزینه دادرسی

ماده ۲۵۲- شاکی یا مدعی خصوصی باید هزینه دادرسی را برابر مقررات قانونی هنگام مطالبه ضرر و زیان تادیه نماید. هرگاه مدعی خصوصی متمکن نبوده و استطاعت تادیه هزینه دادرسی را نداشته باشد و از دادگاه تقاضای معافیت نماید، دادگاه می‌تواند پس از اظهار نظر رییس حوزه قضایی یا معاون وی در این خصوص مدعی را از تادیه هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا است به طور موقت معاف نماید. تاخیر رسیدگی به امر جزایی به علت عدم تادیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی جایز نیست و احراز عدم تمکن با نظر دادگاه است.

تبصره - پس از صدور حکم و در هنگام اجرای آن، دادگاه مکلف است هزینه دادرسی را که به صورت موقت معاف نموده از محل محکوم به استیفا نماید.

ماده ۲۵۳- متهم و مدعی خصوصی بابت هزینه‌های ایاب و ذهاب گواهان و حق الزحمه کارشناسان و مترجمان و پزشکان و غیره که به دستور مقامات قضایی احضار می‌شوند وجهی نمی‌پردازند ولی چنانچه درخواست احضار یا کسب نظر آنان به درخواست متهم یا مدعی خصوصی باشد درخواست کننده باید هزینه مربوط را بپردازد.

تبصره - مقدار هزینه‌ها به موجب تعرفه‌ای است که توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب



جمهوری اسلامی ایران

رئیس جمهور

رئیس قوه قضاییه خواهد رسید و دادگاه برابر همان تعرفه مقدار کلیه هزینه‌ها را معین کرده و در حکم قید می‌کند.

ماده ۲۵۴ - هزینه تطبیق رونوشت اسناد و تهیه آن برابر مقررات قانونی خواهد بود.

ماده ۲۵۵ - در صورت تعدد محکوم علیه، هزینه‌های دادرسی میان آنان تقسیم می‌شود و دادگاه می‌تواند در این تقسیم به مقصران اصلی و فرعی توجه نموده و سهم هر یک را با توجه به اهمیت جرم و متناسب با محکومیت ایشان معین نماید.

ماده ۲۵۶ - شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند در هر مرحله از دادرسی تمامی هزینه‌های دادرسی را که پرداخت کرده از مدعی علیه مطالبه کند دادگاه پس از ذی‌حق شناختن وی مکلف است در هنگام صدور حکم نسبت به پرداخت آن تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

ماده ۲۵۷ - در حکم دادگاه باید مسؤول پرداخت هزینه‌های دادرسی معین شود و همچنین صورت هزینه‌هایی که مصرف شده است ضمن صدور حکم به صورت تفصیلی تعیین شود.

ماده ۲۵۸ - چنانچه هنگام اجرای حکم، محکوم علیه فوت نموده باشد هزینه دادرسی از ماترک وی پرداخت می‌شود.

وزیر دادگستری

وزیر امور اقتصادی و دارایی

وزیر کشور

۱۴، ۱۳، ۱۲

رئیس جمهور